



شکایت از رییس صحت عامه بامیان؛

مرجعی برای شنیدن هست؟



مدتهاست که ریاست صحت عامه ولایت بامیان و شخص سیدعلی آقا ایوب ناصری رییس این نهاد، به خاطر آن چه «ضعف در عرضه خدمات صحتی» در بامیان خوانده می‌شود، مورد انتقادهای بی‌دریبی فعالان جامعه مدنی، شماری از اعضای شورای ولایتی، شورای ملی و برخی باشندهگان این ولایت قرار دارد. این شکایت‌ها از ماه‌ها پیش صورت گرفته بود، اما بار دیگر زمانی بالا گرفت که احمدجواد عثمانی سرپرست وزارت صحت عامه چند روز پیش به ولایت بامیان سفر کرد تا وضعیت خدمات صحتی در این ولایت را مورد ارزیابی قرار دهد. اسماعیل ذکی، از فعالان جامعه مدنی بامیان به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که علاوه بر کاستی‌های زیاد در قسمت عرضه خدمات صحتی، سهل‌انگاری و بی‌توجهی ریاست صحت عامه نیز سیستم بهداشتی این ولایت را در وضعیت نابسامانی قرار داده است.



واکنش‌ها پیرامون تشکیل شورای عالی مصالحه؛

سپیدار از دست کاری ارگ در فهرست ناراضی است

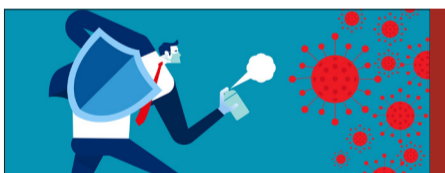
اهمیت تاب‌آوری سکونت‌گاه‌ها در مقابل سیل

حق معلولیت؛ سرابی در کویر فساد اداری

روحیه انسان‌دوستی و همکاری با هم‌نوع در تمام جوامع و اجتماعات بشری وجود داشته و جزو ویژه‌گی‌های فطری انسانی است. برخورداری بشر از این صفت، در طول تاریخ انگیزه کمک به یکدیگر و دستگیری از نیازمندان را در نهاد انسان فعال داشته و به گونه‌های مختلف باعث همکاری شده است. در دوره باستان، ارسطو نظریه عدالت را ارائه کرده بود.



استراتژی‌های موثر ارتباطات بحران در داخل و خارج سازمان



همه‌گیری کووید-۱۹ هم یک بحران اجتماعی و هم مالی است که در این حالت اعتماد مت به همکاری و بقای سیاسی سازمان‌ها مرکز می‌شود. از افراد در تمام سطوح سازمان خواسته می‌شود که روش کارشان را از نگاه حرفه‌ای و...

مراسم عاشورا در فضای امن برگزار شد

۸ صبح، کابل: وزارت امور داخله می‌گوید که مراسم بزرگداشت از روز عاشورا در فضای امن برگزار شد و هیچ موردی از رویداد امنیتی پیرامون این مراسم در سراسر کشور ثبت نشده است.

طارق آرین، سخنگوی این وزارت در پایان روز یکشنبه، نهم سنبله به روزنامه ۸ صبح گفت که پولیس تدابیر امنیتی روز عاشورا در کشور را شدت بخشید و به همین دلیل، هیچ موردی از رویداد امنیتی در مراسم گرامی‌داشت از این روز اتفاق نیفتاده است.

وی افزود که دیگر دلیل ثبت نشدن مورد امنیتی در روز گرامی‌داشت از عاشورا، عملی شدن میثاق امنیتی بوده است، زیرا به گفته آقای آرین، مردم نیز در تامین امنیت با پولیس همکاری کرده‌اند.

گفتنی است که مسوولان نهادهای امنیتی در روز بزرگداشت از عاشورا در شهر کابل گشت‌وگذار کردند و روند تامین امنیت این روز را زیر نظر داشتند.

هم‌زمان با این، رییس جمهور غنی، امرالله صالح و سرور دانش از جمله مقاماتی بودند که در این مراسم در کابل اشتراک و سخن‌رانی کردند.

در سال‌های گذشته مواردی از رویدادهای امنیتی در جریان بزرگداشت از این روز اتفاق می‌افتاد و به تگرانی‌های مردم پیرامون امنیت بزرگداشت این مراسم افزوده بود.



نگاهی به سروی کووید-۱۹ در افغانستان؛ بی‌پاسخی به پرسش‌های اساسی



یادداشت: وزارت صحت عامه نتایج سروی سراسری‌اش درباره میزان ابتلا به ویروس کرونا در کشور را در پانزدهم اسد همه‌گانی کرد. طبق این سروی، از زمان ثبت نخستین مورد ابتلا به این ویروس در پنجم حوت پارسال در هرات تا زمان انجام این سروی ۳۱ درصد جمعیت کشور (۱۰ میلیون نفر) به کووید-۱۹ مبتلا شده بودند.

هیجان کریکیت - راشد خان به انرژي مانستر می پیوندد



راشد خان؛ ستاره واقعی کریکیت افغانستان، یکی از بهترین بالرها جهان و اکنون اولین ورزشکار انرژي مانستر در افغانستان است. ابتدا با عرض وجود از ولایت ننگرهار در شرق افغانستان، راشد خان ۲۱ ساله به‌عنوان یک نوجوان از زمان ورودش به کریکیت مسلکی ریکاردهای بی‌سابقه‌ای را در کارنامه‌اش به ثبت رسانده است. هرچند در جریان دو فصل اخیر راشد خان صعود خیره‌کننده‌ای برای مبدل شدنش به یک چهره ورزشی کشورش داشته است.

در سن ۱۹ سال و ۱۶۵ روزه‌گی، راشد خان در اولین بازی خود در مرحله مقدماتی جام جهانی کریکیت ۲۰۱۸ مسئولیت کپتانی تیم ملی افغانستان را بر عهده داشت. با انجام این کار، او به‌عنوان جوان‌ترین کپتان در تاریخ کریکیت بین‌المللی مطرح شد. زمانی که به سن ۲۰ سالگی قدم گذاشت - راشد خان لقب صدر جدولی جوان‌ترین بازیکن را در طبقه‌بندی شورای کریکیت بین‌المللی به خود اختصاص داد. با سپری شدن چند هفته، او بار دیگری در صدر جدول طبقه‌بندی شورای کریکیت بین‌المللی قرار گرفت. این بار در بخش بالرها در بازی‌های بین‌المللی ۲۰ آور.

با این وجود، هفت ماه بعد راشد خان با اجراء فوق‌العاده‌اش در بازی‌های قهرمانی آسیا لقب بهترین بازیکن را به خود اختصاص داد - که در آن ۱۰ ویکیت و ۸۷ دوش را در یک حد اوسط ۴۳.۵۰ از خود به نمایش گذاشت.

با صدرنشینی بی‌هم در ماه اکتوبر، راشد خان لقب غیرقابل تغییر دیگری را با بدست آوردن مجموعاً ۱۷۶ ویکیت در بازی‌های بین‌المللی بخود اختصاص داد - که ریکارد جوان‌ترین ویکیت گیرنده را در کتاب گینس به نام خودش ثبت نمود.

اکنون به‌عنوان عضو دائمی خانواده انرژي مانستر، در اخیر سال جاری به نمایندگی از افغانستان راشد خان نشان مانستر را در سبک تخنیکی علامت تجاری‌اش در صحنه بین‌المللی کریکیت به نمایش خواهد گذاشت.

با امضاء نمودن قرارداد جدیدش، راشد خان گفت: «از این‌که به خانواده انرژي مانستر می‌پیوندم بی‌نهایت هیجان‌زده‌ام. با همکاری یکدیگر در آینده ریکاردهای بیشتری را شکسته و بلندای جدیدی قدم خواهیم گذاشت.»

برای دریافت معلومات بیشتر در باره راشد خان به لینک انستاگرام ذیل مراجعه نمایید:

<https://www.instagram.com/rashid.khan19/>

برای دیدن تصاویر:

<https://mm.monsterenergy.com/ExternalLinks/ExternalDownload?mld=ab3a9ad02efd3b471a9463c5e>

[bf226c10d5859d5](https://mm.monsterenergy.com/ExternalLinks/ExternalDownload?mld=ab3a9ad02efd3b471a9463c5ebf226c10d5859d5)

ورود ۱۴۰۰ فرد مشکوک به کرونا طی دو ماه از ایران به افغانستان



آمار ریاست مهاجرین هرات نیز نشان می‌دهد که طی شش ماه گذشته بیش‌تر از ۳۰۰ هزار شهروند کشور از ایران به افغانستان وارد شده‌اند که شمار زیادی از آن‌ها، افراد ردمرز می‌اند و تنها در جریان ماه گذشته، ۲۳ هزار شهروند افغانستان از ایران ردمرز شده‌اند.

آقای نادم می‌افزاید که میزان ورود شهروندان افغانستان از طریق مرز زمینی ایران به هرات نسبت به چند ماه گذشته کاهش یافته، اما به دنبال «وج‌گیری کرونا» در ایران، هزاران تن به گونه‌ی بی‌پیشینه از این کشور به افغانستان آمده‌اند.

او توضیح می‌دهد، تنها ۱۰ درصد افرادی که از مرز ایران وارد هرات می‌شوند، ساکنان اصلی این ولایت‌اند و ۹۰ درصد مسافران بازگشتی، ساکنان سایر ولایت‌های کشور می‌باشند که افراد «نیازمند و آسیب‌پذیر» با همکاری ریاست مهاجرین به ولایات اصلی‌شان انتقال می‌یابند.

نصرت‌الله، که یک ماه پیش از ولسوالی «جمعه‌بازار» ولایت فاریاب راهی ایران شد و با تصادف موتر در نزدیکی شهر اصفهان دستش شکست، بی‌کاری و مشکلات امنیتی در افغانستان را مهم‌ترین نگرانی افرادی می‌داند که از ایران ردمرز می‌شوند.

او نگران حضور طالبان و ناامنی در بزرگ‌راه‌های کشور است و اعضای خانواده‌اش در تماس تلفنی با وی، از درگیری میان نیروهای حکومتی و طالبان در اطراف روستای‌شان خبر داده و نگران چگونگی بازگشت او هستند.

جعفرعلی، ساکن ولایت غزنی، که او هم از سوی نیروهای امنیتی ایران بازداشت و به افغانستان ردمرز شده است، همه‌گیری کرونا، ناامنی و مهیم بودن سرنوشت کشور پس از گفت‌وگوهای صلح با طالبان، مهم‌ترین دغدغه‌هایش است.

با تمام مشکلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی که دامن‌گیر افغانستان است و جوانان زیادی را مجبور به ترک کشور و سفر به ایران می‌کند، بازهم روزانه صدها تن از شهروندان افغانستان از سوی حکومت ایران گرفتار و ردمرز می‌شوند. از دید مقام‌های محلی هرات، با توجه به همه‌گیری «موج دوم» بیماری و احتمال «موج سوم» آن در ایران، خطر انتقال ویروس توسط ردمرز شده‌گان و مسافرانی که وارد افغانستان می‌شوند، وجود دارد و این مسأله نگرانی آنان را به دنبال داشته است.

کووید-۱۹ را دارند. به گفته‌ی او، تیم‌های بهداشتی مستقر در مرز اسلام‌قلعه و پزشکان در هرات، برای غربال‌گری افراد مشکوک اقدام می‌کنند، اما به دلیل کمبود امکانات آزمایش کرونا، افراد مشکوک با نشانه‌های «کلینیکی» بررسی می‌شوند.

وی می‌افزاید، آمار آزمایش‌های انجام شده در هرات نشان می‌دهد که از میان مجموع نمونه‌های آزمایش شده ۵۰ درصد آن مثبت است و تاکنون «۴۰ درصد» ساکنان هرات به بیماری کووید-۱۹ گرفتار شده و «۶۰ درصد» دیگر در معرض تهدید ابتلا به آن قرار دارند.

بر اساس آمار ریاست صحت عامه هرات، از میان بیش‌تر از شش‌هزار بیمار مبتلا شده به کرونا در این ولایت، پنج‌هزار و ۴۸۸ تن بهبود یافته، ۲۳۰ بیمار جان باخته و ۷۴ تن دیگر هم مرگ مشکوک به کرونا داشته‌اند.

برای گفت‌وگو با مسافران بازگشتی از ایران، به ریاست مهاجرین هرات رفته. در بخشی از محوطه‌ی این ریاست خانواده‌های ردمرزی و افرادی که خودانگیخته به افغانستان آمده‌اند، برای سوار شدن به موتر و رفتن به ولایت‌های‌شان انتظار می‌کشیدند.

جاوید نادم، رییس مهاجرین هرات، روزهایی را برایم روایت کرد که هم‌زمان با اوج‌گیری ویروس کرونا در ایران و ثبت نخستین موارد مثبت آن در افغانستان، روزانه بیش‌تر از ۱۵ هزار شهروند کشور از ترس ابتلا به کووید-۱۹ با گذر از مرز ایران، وارد هرات می‌شدند.

بر اساس آمار که ریاست مهاجرین هرات در اختیار دارد، طی شش ماه اخیر بیش‌تر از ۳۰۰ هزار شهروند افغانستان از ایران به کشور بازگشته‌اند. تنها در یک ماه اخیر، ۲۳ هزار شهروند افغانستان از ایران رد مرز شده و ۲۸ هزار تن دیگر خودانگیخته به وطن آمده‌اند. آمار ریاست مهاجرین هرات هم‌چنان نشان می‌دهد که طی شش ماه اخیر، ۲۳۰ هزار شهروند افغانستان به گونه‌ی خودانگیخته، ۵۸ هزار اخراجی، ۱۰۴ خانم بی‌سرپرست و یک هزار و ۶۰۰ کودک، از ایران به افغانستان وارد شده‌اند.

معلومات ریاست صحت عامه هرات نشان می‌دهد که طی دو ماه اخیر از میان افراد ردمرز شده از ایران، بیش‌تر از ۱۴۰۰ تن آنان نشانه‌های بیماری

کووید-۱۹ را داشته و از طریق مرز زمینی اسلام‌قلعه وارد افغانستان شده‌اند.

آمار ریاست مهاجرین هرات نیز نشان می‌دهد که طی شش ماه گذشته بیش‌تر از ۳۰۰ هزار شهروند کشور از ایران به افغانستان وارد شده‌اند که شمار زیادی از آن‌ها، افراد ردمرزی‌اند و تنها در جریان ماه گذشته، ۲۳ هزار شهروند افغانستان از ایران ردمرز شده‌اند.

ردمرز شدن شهروندان افغانستان از ایران، ورود مسافران مشکوک به کرونا و خطر آغاز «موج سوم» همه‌گیری ویروس در ایران، نگرانی‌ها از انتقال این بیماری به هرات و احتمال افزایش مبتلایان را افزایش داده است.

بر اساس اطلاعات ارایه شده از سوی مقام‌های محلی هرات، کودکان، زنان و کهن‌سالان هم در میان افرادی که از ایران ردمرز شده‌اند، حضور دارند. شماری از افرادی که به تازه‌گی از ایران به افغانستان بازگشته‌اند، ناامنی و مشکلات اقتصادی را بزرگ‌ترین نگرانی‌های‌شان عنوان می‌کنند.

از میان تمام افرادی که طی دو ماه اخیر از طریق مرز زمینی ایران با افغانستان به هرات وارد شده‌اند، «یک هزار و ۴۱۱» تن آنان «نشانه‌های بیماری کووید-۱۹» را داشته و مشکوک به داشتن ویروس کرونا هستند.

محمدرفیق شیرزی، سخنگوی ریاست صحت عامه هرات، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید به گونه‌ی میانگین هر ۲۴ ساعت یک‌هزار مسافر از مرز زمینی اسلام‌قلعه وارد هرات می‌شوند که از این میان «۱۰ تا ۱۵» مسافر نشانه‌های بیماری



محمدحسین نیکخواه

پروسه‌ی صلح نباید سیاسی شود

دیروز حامد کرزی، رییس‌جمهور پیشین افغانستان، عضویت در ترکیب کمیته رهبری شورای عالی مصالحه را رد کرد. هم‌چنان خبرهایی از رد عضویت در شورای عالی مصالحه توسط گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی افغانستان و صلاح‌الدین ربانی، رییس‌حزب جمعیت اسلامی افغانستان، نشر شده است. براساس فهرستی که ارگ ریاست جمهوری نشر کرده است، ۴۶ نفر به عنوان هیأت رهبری، عضو شورای عالی مصالحه ملی و عضو شورای عالی دولت تعیین شده‌اند. خروج کرزی، ربانی و حکمتیار نشان می‌دهد که مسیر دستیابی به صلح در افغانستان، طولانی، پیچیده و پرچالش است.

سفیر خلیل‌زاد در یکی از مصاحبه‌های رسانه‌ای خود گفته بود که گفت‌وگوهای صلح باید از تعاملات و کش‌مکش‌های غیرافغانی به دور صورت گیرد. این بدان معناست که سطح تعامل در این فرآیند از سطح جهانی - منطقه‌ای باید به سطح ملی تقلیل یابد. اما ملی شدن پروسه صلح تا اکنون ناکام بوده است و عمده‌ترین دلیل ناکامی ملی شدن این پروسه، زدویندهایی است که در کابل و در حوزه جمهورییت میان حکومت و احزاب سیاسی همواره جریان داشته است.

واقعیت این است که مردم افغانستان به صلح و ختم جنگ نیاز مبرم دارند. افغانستان چهار دهه است که در باتلاق جنگ دست‌وپا می‌زند. جنگ، دو نسل را پیر کرده است. چهل‌ساله‌ها از زمانی که به دنیا آمده‌اند، صدای تفنگ را شنیده‌اند تا حالا که موی سر و صورت‌شان سپید شده است. افغانستان اکنون مانند سرزمینی است که چهل سال باران را ندیده و خشک‌سالی تمام هست‌وبودش را نابود کرده است.

تاریخ به ما می‌گوید زعمای سیاسی افغانستان از گذشته‌های دور تا کنون معمولاً گروه‌ها را با دندان باز کرده‌اند و نه با دست. نزاع و جنگی را در افغانستان نمی‌توان سراغ کرد که دو طرف دور میز نشسته آن را به سرانجام صلح‌آمیز رسانده باشند. حالا اما فرصتی فراهم شده تا همه‌ی زعمای سیاسی افغانستان دور یک میز بنشینند و برای ثبات و امنیت در افغانستان نقشه بکشند، از ارزش‌های ۱۸ ساله اخیر دفاع کنند و به چهار دهه خون‌ریزی در کشور پایان دهند.

مشخص است که حکومت و هیچ نهادی به تنهایی در آوردن صلح افغانستان کامیاب نخواهد شد. برای آوردن صلح به افغانستان، نیاز است که چهره‌های مطرح سیاسی افغانستان عملاً وارد میدان شوند. اگر چهره‌های سیاسی در آوردن صلح به افغانستان نقش داشته باشند، تردیدی نیست که با استقبال مردم روبه‌رو خواهند شد. احزاب به رهبری آقای ربانی و آقای حکمتیار هرگز نمی‌توانند جنگ‌های دهه هفتاد را از اذهان مردم پاک کنند، مگر با شریک شدن در پروسه‌ی صلح و نقشی که می‌توانند برای آوردن آرامش به افغانستان بازی کنند. واقعیت این است که عوامل مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، محیطی، تقسیم ناعادلانه ثروت‌های ملی، بی‌کاری، فقر، عدم تطبیق درست قوانین و موجودیت فساد در ادارات دولتی، در چگونگی روند صلح تأثیرگذار هستند. احزاب سیاسی باید برای مهار این چالش‌ها، دیدگاه و نظر داشته باشند. اگر می‌خواهیم پروسه صلح به موفقیت برسد، باید احزاب سیاسی در مذاکرات صلح نقش داشته باشند و دیدگاه‌های خود را شریک سازند.

چهارزانو زدن و تماشای خلیل‌زاد از پشت صفحه‌های تلویزیون برای سیاستمداران افغانستان خوب نیست. صلح خوب صلحی است که توسط افغان‌ها و با زعامت زعمای سیاسی کشور به دست بیاید. صلحی که دیگران برای ما به ارمغان بیاورند، مطمئناً عاقبت چندان خوبی در پی نخواهد داشت. کرزی، حکمتیار و ربانی با رییس‌جمهور غنی مشکلات سیاسی دارند، اما نباید فراموش کنیم که پروسه صلح نباید قربانی زدویندهای سیاسی در حوزه جمهورییت شود. هر حرکتی، چه از داخل و چه از سوی کشورهای منطقه و جهان، برای تقویت جبهه صلح و بازسازی افغانستان قابل قدر است، اما در مقابل هر اقدامی که علیه جبهه صلح و تقویت جنگ باشد و یا شروع یک جنگ با چهره‌ای دیگر در کشور، برای مردم افغانستان قابل قبول نیست.

چهارزانو زدن و تماشای خلیل‌زاد از پشت صفحه‌های تلویزیون برای سیاستمداران افغانستان خوب نیست. صلح خوب صلحی است که توسط افغان‌ها و با زعامت زعمای سیاسی کشور به دست بیاید. صلحی که دیگران برای ما به ارمغان بیاورند، مطمئناً عاقبت چندان خوبی در پی نخواهد داشت. کرزی، حکمتیار و ربانی با رییس‌جمهور غنی مشکلات سیاسی دارند، اما نباید فراموش کنیم که پروسه صلح نباید قربانی زدویندهای سیاسی در حوزه جمهورییت شود. هر حرکتی، چه از داخل و چه از سوی کشورهای منطقه و جهان، برای تقویت جبهه صلح و بازسازی افغانستان قابل قدر است، اما در مقابل هر اقدامی که علیه جبهه صلح و تقویت جنگ باشد و یا شروع یک جنگ با چهره‌ای دیگر در کشور، برای مردم افغانستان قابل قبول نیست.

واکنش‌ها پیرامون تشکیل شورای عالی مصالحه:

سپیدار از دست‌کاری ارگ در فهرست ناراضی است

با بروز اختلاف‌نظرهای تازه، به نظر می‌رسد که بن‌بست سیاسی میان ارگ و سپیدار هنوز پایان نیافته است. در حالی‌که فهرست اعضای رهبری شورای عالی مصالحه ملی اواخر روز شنبه، هشتم سنبله پس از نهایی‌شدن از سوی سپیدار به ارگ ریاست جمهوری فرستاده شده بود، اعمال تغییراتی در این فهرست از سوی محمدشرف غنی سبب شده است که اختلاف‌ها دوباره رنگ بگیرد.



سید رازا

فهرست تشکیل شورای عالی مصالحه ملی به محض همه‌گانی‌شدن آن جنجالی شده است. هرچند سپیدار در این مورد به گونه‌ی رسمی ابراز نظر نمی‌کند، اما منابع تصریح می‌کنند که در فهرست پیشنهادی عبدالله عبدالله برای تشکیل شورای عالی مصالحه ملی، تغییراتی از سوی ارگ ریاست جمهوری اعمال شده است و ناراضی‌تی سپیدار را در پی داشته است. هم‌زمان با اعلام فهرست اعضای شورای عالی مصالحه ملی، حامد کرزی و صلاح‌الدین ربانی اعلام کردند که در ترکیب کمیته رهبری این شورا اشتراک نمی‌کنند. پیش‌تر، گلبدین حکمتیار نیز حضورش در ترکیب این شورا را منتفی اعلام کرده بود. سران حکومت پیش از این بارها بر وجود قوت در روند صلح خوانده‌اند. فهرست کمیته رهبری این شورا در حالی جنجالی و واکنش‌برانگیز می‌شود که تشکیل آن دست‌کم سه ماه برای سپیدار زمان برده است.

با بروز اختلاف‌نظرهای تازه، به نظر می‌رسد که بن‌بست سیاسی میان ارگ و سپیدار هنوز پایان نیافته است. در حالی‌که فهرست اعضای رهبری شورای عالی مصالحه ملی اواخر روز شنبه، هشتم سنبله پس از نهایی‌شدن از سوی سپیدار به ارگ ریاست جمهوری فرستاده شده بود، اعمال تغییراتی در این فهرست از سوی محمدشرف غنی سبب شده است که اختلاف‌ها دوباره رنگ بگیرد. منابع رسمی در سپیدار پیرامون این موضوع هیچ چیزی نمی‌گویند، اما برخی از افراد دخیل در این روند به گونه‌ی تلویحی اختلاف‌ها میان دو طرف را تایید می‌کنند. با توجه به سکوت مطلق دو طرف، تاکنون مشخص نیست که ارگ و سپیدار روی کدام موارد اختلاف نظر دارند و تغییرات از سوی رییس‌جمهور غنی چگونه اعمال شده است.

بر اساس فهرستی که شام‌گاه روز شنبه، هشتم سنبله از سوی ارگ ریاست جمهوری همه‌گانی شد، ۱۹ مرد و هشت زن به عنوان اعضا در ترکیب کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی جا گرفته‌اند. حامد کرزی، عبدالرب‌الرسول سیاف، گلبدین حکمتیار، محمدکریم خلیلی، محمد محقق، مارشال عبدالرشید دوستم، محمدیونس قانونی، صلاح‌الدین ربانی، اسماعیل خان، عطامحمد نور، حامد گیلانی، ذبیح‌الله مجددی، منصور نادری، عنایت‌الله شهبانی، انجنیر محمدخان، رییس شورای علماء اسماعیل

غضنفر، صادق مدبر، خدایداد صالح، صفیه صدیقی، ماری اکرمی، نجیبه ایوبی، ضیاگل رضایی، عالیله یلماز، زرقا یفتلی، فریده مومند و نسرین اورباخیل از اعضای کمیته رهبری این شورا به شمار می‌آیند. با این حال اما حامد کرزی در اولین گام، از حضور در ترکیب این شورا انصراف داد. وی در وضاحت پیرامون این موضوع تصریح کرده است که به عنوان شهروند در تلاش‌ها پیرامون روند صلح سهم می‌گیرد، اما در «هیچ تشکیل حکومتی» حضور نخواهد یافت.

حزب جمعیت اسلامی به رهبری صلاح‌الدین ربانی نیز در مورد تشکیل کمیته رهبری این شورا واکنش نشان داده است. در اعلامیه این حزب آمده است که هنگام درج نام رییس این حزب در فهرست شورای عالی مصالحه ملی، با «رهبری و ریاست» این حزب مشورت نشده است و اعضای آن نیز در نشست‌ها اشتراک نکرده‌اند. بدین ترتیب، صلاح‌الدین ربانی با تکرار بر موقف این حزب مبنی بر «گفت‌وگوهای ملی و چندجانبه صلح برای حل دائمی جنگ تحمیلی ۴۰ ساله»، از حضور در این فهرست انصراف داده است. گفتنی است که گلبدین حکمتیار، رییس حزب اسلامی نیز پیش از این حضورش در ترکیب شورای عالی مصالحه ملی را منتفی دانسته بود. هم‌زمان با این، محمدکریم خلیلی، رییس حزب وحدت اسلامی نیز با انتقاد بر تشکیل این شورا، تصریح کرده است که با تمرکز به تیم دولت‌ساز، رییس‌جمهور غنی نمی‌تواند که هم‌دلی را میان طرف‌ها به وجود بیاورد.

ترکیب کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی اما سایر انتقادها را نیز در پی داشته است. برخی از افراد نزدیک به سپیدار که عضو هیأت مذاکره‌کننده به شمار می‌آیند نیز واکنش نشان داده‌اند. حفیظ منصور، عضو هیأت مذاکره‌کننده در صفحه فیس‌بوکش نوشته است که اعلان اعضای شورای عالی مصالحه ملی، دیگر خطای بزرگ است. وی اما در این مورد وضاحت نداده است. هم‌زمان با این، رحمت‌الله نبیل، رییس سابق امنیت ملی نیز در مورد ترکیب شورای عالی مصالحه ملی واکنش نشان داده است. وی در صفحه فیس‌بوکش با لحن تند نوشته است: «فنا شده‌گان سیاسی افغانستان که چند صباحی از عمر سیاسی‌شان باقی نمانده است، پس از بحرانی‌سازی انتخابات و نتایج آن، در یک معامله‌ی ننگین دیگر، تشکیلی زیر نام شورای مصالحه ملی که در واقع شورای معامله ملی نزد مردم افغانستان شهرت دارد را به‌صورت وقیحانه بنا نهادند.» وی در ادامه اعضای هیأت مذاکره‌کننده را به تقسیم دزایی‌های عامه، بودجه جامعه جهانی،

سرمایه‌های ملی و داشته‌های مردم متهم کرده و گفته است که مردم به زودی شاهد «یخن‌کشک و جدال» بین این افراد خواهند بود. به گفته وی، «به گواهی تاریخ و تجربه، هر مسیر و جاده‌ای که با نیت صاف و صداقت شروع نشود، ختم به خیر نخواهد داشت».

وی در ادامه به موقف پیشینش مبنی بر نیابتی خواندن صلح افغانستان تاکید کرد و گفت که برای اثبات ادعایش، بهانه‌جویی‌های طرفین برای به میان نیامدن صلح و صورت‌نگرفتن مذاکرات، کافی است. هم‌زمان با این، کمیسیون مستقل حقوق بشر نیز از حضور کم‌رنگ زنان در ترکیب این هیأت انتقاد کرده است. شهزاد اکبر، رییس این کمیسیون روز یک‌شنبه، نهم سنبله گفته است که هیچ یک از ترکیب‌ها از سوی زنان اداره نمی‌شود و حضور زنان و جوانان را نیز کم‌رنگ خوانده است. وی در ادامه پرسیده است که این ترکیب چه پیامی را پیرامون این‌که همه‌شمول بودن یک اصل است، می‌فرستد. زنان افغان پیش از این نیز در مورد حضور کم‌رنگ‌شان در روند صلح شاکی بودند و بارها از حکومت خواسته‌اند که سهم زنان در روند صلح را حداقل به ۳۰ درصد افزایش دهد. این در حالی است که محمدشرف غنی، رییس جمهوری و عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی بارها از همه‌شمول بودن ترکیب‌های حاضر در روند صلح به مردم اطمینان داده‌اند و بر اجماع ملی نیز تاکید کرده‌اند.

گفتنی است که بر اساس فهرست اعلام شده، عبدالله عبدالله به عنوان رییس شورای عالی مصالحه ملی هفت معاون خواهد داشت. از عنایت‌الله بابر فرهمند، اسدالله سعادت، عبدالسلام رحیمی، زهره مطهری، عطالرحمان سلیم، حاجی دین‌محمد و محمداکرم خیلواک به عنوان معاونان شورای عالی مصالحه ملی نام برده شده است. دو تن در حالی به عنوان معاون شورای عالی مصالحه ملی در ترکیب اضافه می‌شوند که بر اساس بخش دوم توافق‌نامه سیاسی (که در بیست‌وهشتم ثور میان محمدشرف غنی و عبدالله عبدالله امضا شد)، آمده است: «مقام ریاست شورای عالی مصالحه ملی دارای پنج معاون می‌باشد. معاونان تیم ثبات و هم‌گرایی به حیث معاونان رییس شورای عالی مصالحه ملی ایفای وظیفه می‌کنند. سایر معاونان شورای عالی مصالحه ملی از سوی رییس‌جمهور معرفی می‌شود.» عبدالسلام رحیمی در حالی به عنوان یکی از معاونان آقای عبدالله اعلام می‌شود که وی پیش‌تر به عنوان نماینده ویژه رییس‌جمهور در امور صلح نیز گماشته شده است. گفتنی

است که وی پیش از این به عنوان وزیر دولت در امور صلح ایفای وظیفه می‌کرد و از افراد مورد اعتماد رییس‌جمهور به شمار می‌آید.

در کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی هم‌چنان یک شورا زیر نام «شورای عالی دولتی» نیز ایجاد شده است. از امرالله صالح، سرور دانش، حنیف اتمر، حمدالله محب، فضل‌الهادی مسلم‌یار، میررحمان رحمانی، الماس زاهد، وزیر دولت در امور صلح (که هنوز گماشته نشده است) و جوهره طاهری به عنوان اعضای این شورا نام برده شده است. بر اساس بخش اول توافق‌نامه سیاسی، شورای عالی دولت متشکل از رهبران سیاسی و شخصیت‌های ملی است که برای ایجاد اجماع سیاسی شکل می‌گیرد و در مسایل مهم ملی به رییس‌جمهور کشور مشورت می‌دهد. در فرمان تعیین اعضای رهبری شورای عالی مصالحه ملی اما در مورد ماهیت «شورای عالی دولتی»، تفاوت آن با شورای دولت که در توافق‌نامه سیاسی تذکر یافته است و ارتباط آن با روند صلح و شورای عالی مصالحه ملی چیزی گفته نشده است.

باید تصریح کرد که نکات اختلافی میان ارگ و سپیدار روی این فهرست مشخص نشده است. پیش‌تر در توافق‌نامه سیاسی صراحت یافته است که رییس شورای عالی مصالحه ملی این شورا را با مشورت رییس‌جمهور، طرف‌ها و رهبران سیاسی، روسای مجلسین شورای ملی، جامعه مدنی، و نخبه‌گان کشور تشکیل می‌دهد. هر چند ارگ به گونه رسمی در مورد واکنش‌ها ابراز نظر نکرده است، اما رییس‌جمهور غنی پیرامون این روند موضوعاتی را یادآور شده است. وی در مراسم یادبود از عاشورا ابراز امیدواری کرده است که شهروندان از صلح هراس نداشته باشند. او در ادامه تصریح کرده است که معنای صلح کدام معامله سیاسی یا تقسیم قدرت نیست و باید معنای آن از دید شهروندان درک شود. آقای غنی افزود که معنای صلح در نزد شهروندان، ختم خشونت به صورت دوام‌دار است.

واکنش‌ها پیرامون تشکیل شورای عالی مصالحه ملی در حالا بالا گرفته است که قرار است حکومت و طالبان تا در روزهای آینده وارد گفت‌وگوهای مستقیم شوند. این گفت‌وگوها در حالی آغاز می‌شود که ارگ بارها از وجود اجماع ملی پیرامون صلح یاد کرده است و آن را نقطه قوت هیأت مذاکره‌کننده دولت در این روند خوانده است. گفتنی است که شورای عالی مصالحه ملی برخاسته از توافق‌نامه سیاسی‌ای است که پس از ماه‌ها کش‌وقوس میان محمدشرف غنی و عبدالله عبدالله، سرانجام در بیست‌وهشتم ثور امضا شد.

♦ عارف وفایی

روحیه انسان‌دوستی و همکاری با هم‌نوع در تمام جوامع و اجتماعات بشری وجود داشته و جزو ویژه‌گی‌های فطری انسانی است. برخورداري بشر از این صفت، در طول تاریخ انگیزه کمک به یک‌دیگر و دستگیری از نیازمندان را در نهاد انسان فعال داشته و به گونه‌های مختلف باعث همکاری شده است. در دوره باستان، ارسطو نظریه عدالت را ارایه کرده بود. بعد جان لاک در دوره روشن‌گری به تدوین نظریه حقوق طبیعی پرداخت. به همین ترتیب ایمانوئل کانت و کارل مارکس، نظریه‌پردازان بعدی بودند که در مورد حقوق بشر و حقوق کارگران به مطالعات منظم پرداختند و راهکارهایی را برای اصلاح جوامع ارایه کردند که تا امروز دانشمندان در مورد آن بحث می‌کنند. گسترش این مباحث در میان دانشمندان علوم اجتماعی، باعث شد تا نظریه‌پردازان و حقوق‌دانان در مورد چگونگی ارایه خدمات نظام‌های سیاسی و حقوق شهروندان بررسی‌های منظم کنند و بر اساس آن پیشنهادات و توصیه‌های مهمی را برای دولت‌ها ارایه نمایند. بنابراین توجه به حقوق بشر و افراد آسیب‌پذیر جامعه در نظام‌های حقوقی و اداری کشورها، آرام‌آرام شروع شد که مهم‌ترین آن تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ بود. یکی از محورهای اساسی بحث حقوق بشر، حق برخورداری از حیات و سلامت است. این اعلامیه جهانی در ماده سوم خود بیان می‌کند که «هر فردی سزاوار و محق به زنده‌گی، آزادی و امنیت فردی است». این حق در دولت‌ها و جوامع گذشته به دلیل جنگ و نزاع‌های دوام‌دار خیلی مورد احترام قرار نمی‌گرفت، اما بعد از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و پذیرش آن توسط کشورها، رعایت آن برای همه توصیه شد. توجه به حقوق بشر و در نظر گرفتن مواد آن در کشورهای عقب‌مانده و به ویژه دولت‌های درگیر جنگ، خیلی اندک است. در این میان افغانستان کشوری است که تنور جنگ همیشه در آن روشن بوده و مردم قرن‌ها است که در ناامنی و جنگ به سر می‌برند.

در شرایط جنگ مردم از هیچ حقی، حتا حق زنده‌گی برخوردار نیستند. مردم بدون هیچ تقصیری به خاک و خون کشیده می‌شوند و جان و سلامت خود و نزدیکان‌شان را از دست می‌دهند. با این حال بعد از سقوط طالبان و مداخله جامعه جهانی، بر رعایت حقوق بشر تأکید صورت گرفت و دولت جدید ملزم به رعایت حقوق بشر و حمایت از آسیب‌دیده‌گان جنگ در کشور شد. بر این اساس حق حیات در قانون اساسی افغانستان مورد توجه قرار گرفت. بعد از تصویب قانون اساسی و روی کارآمدن دولت جدید، متأسفانه رویه قتل، زخمی کردن و آزار مردم بی‌گناه هم‌چنان در جنگ میان دولت و طالبان ادامه یافت و از سال ۲۰۰۱ تا کنون ده‌ها هزار نفر کشته و صدها هزار نفر

حق معلولیت؛

سرابی در کویر فساد اداری

یکی از محورهای اساسی بحث حقوق بشر، حق برخورداری از حیات و سلامت است. این اعلامیه جهانی در ماده سوم خود بیان می‌کند که «هر فردی سزاوار و محق به زنده‌گی، آزادی و امنیت فردی است». این حق در دولت‌ها و جوامع گذشته به دلیل جنگ و نزاع‌های دوام‌دار خیلی مورد احترام قرار نمی‌گرفت، اما بعد از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و پذیرش آن توسط کشورها، رعایت آن برای همه توصیه شد.

دوباره از وی خواست که کلماتش را تکرار کند؛ ولی کارمند با لحن تحقیرآمیزی مراجعه‌کننده را گفت که خواب‌آلود هستی یا گوش‌هایت کر است که حرف را نمی‌گیری؟ به همین ترتیب یک روز دیگر یک فرد معلول که در مورد طی مراحل فورم تثبیت حقوق خود از یک کارمند معلومات می‌خواست، کارمند با بی‌میلی، خیلی پیچیده و معلق صحبت می‌کرد و درست توضیح نمی‌داد. بنابراین مراجعه‌کننده از وی خواست که ساده‌تر صحبت کند، اما کارمند با همکاریش به وی می‌خندیدند و به صورت تمسخرآمیز از وی می‌پرسیدند که کاکا از ولایات آمدی (یعنی دهاتی هستی)؟ در حالی که همه‌ی مراجعه‌کننده‌گان در وزارت مذکور یا کر اند یا کور اند و یا از یک تکلیف دیگر رنج می‌برند و اکثرا از طبقه محروم جامعه‌اند.

مورد دیگری را که مشاهده کردم، مربوط به معلولی بود که طی مراحل اولیه فورم تثبیت حقوق خود را انجام داده بود و آن را می‌خواست به مامور مربوطه جهت طی مراحل بعدی تسلیم کند، اما مامور فورم را نمی‌گرفت و می‌گفت چهار ماه بعد بیا. معلول اصرار داشت که فورم او را نیز بگیرد و در نوبت بگذارد، ولی کارمند این استدلال غیرمنطقی را می‌آورد که در این‌جا فورم از سال ۱۳۹۶ باقی مانده، در حالی که فورم این فرد از سال ۱۳۹۸ است؛ یعنی از تنبلی و ناکارایی خود برای اقناع مراجعین استدلال می‌آورد. هم‌چنین کارمندانی را دیدم که یک ماه قبل از روز رخصتی و یا عید مراجعه‌کننده‌گان را می‌گفت که بعد از رخصتی و یا عید مراجعه کنند. نمونه‌های فوق بیان‌گر عدم واقع‌بینی قانون نسبت به شرایط معلولین، برخورد نامناسب کارمندان و عدم شایسته‌گی آن‌ها در اجرای وظیفه است. طوری که در شرایط معلولیت طی مراحل فورم تثبیت حقوق معلولیت، از توان یک معلول نیست، زیرا باید چندین بار از منطقه خود به کابل و از کابل به ولایتی که حادثه برای آن اتفاق افتاده است سفر کند. این رفت‌وآمد علاوه بر این‌که از نظر فزیکی برای یک معلول طاقت‌فرسا است، از نظر

معلول شده‌اند. دولت برای رسیده‌گی به مشکلات ورثه شهدا و معلولین، وزارت شهدا و معلولین را ایجاد کرد. اما این نهاد علاوه بر این‌که به مرور از صلاحیت‌هایش کاسته شده، توانایی ارایه خدمات به موقع، کافی و شفاف را برای مردم مستحق ندارد. ترویج فساد گسترده در این نهاد، حقوق معلولین را سرابی ساخته است که دسترسی معلول به آن از طریق ادارات آلوده به فساد، ناممکن شده است. گرچه شواهد و اسناد معتبری که آمار فساد در نهادهای دولتی را نشان دهد به گونه‌ی مکرر از سوی نهادهای تحقیقی بین‌المللی و داخلی ارایه شده است، اما آن‌چه از فساد در وزارت دولت در امور شهدا و معلولین در این نوشتار بیان می‌شود، اطلاعاتی است که در یک بررسی مبتنی بر مشاهده مشارکتی، نویسنده به آن دست یافته است.

نخست: فرایند کسب حقوق و رسیده‌گی به مشکلات آسیب‌دیده‌گان جنگ و به ویژه معلولین خیلی پیچیده است. روش ارایه خدمات که از طرف دولت به معلول و زخمی در نظر گرفته شده است، هیچ ارتباطی با نیازها و شرایط معلول ندارد؛ زیرا این کمک‌ها به موقع، کافی و بدون تکلیف و هزینه به آن‌ها داده نمی‌شود. مستفید شدن از حقوقی که دولت برای معلول در نظر گرفته، در قدم اول، فرد معلول از عهده‌ی طی مراحل «فورم تثبیت حقوق معلولیت» برآمده نمی‌تواند و در قدم دوم، این کار مستلزم هزینه و مصرف حداقل چند برابر مقدار کمکی است که از طرف دولت برای آن‌ها در نظر گرفته شده است.

دوم: برخورد کارمندان ادارات با معلولین خیلی غیرانسانی است که باعث تحقیر و اذیت معلول برای دریافت حقوق خود در ادارات می‌شود. به عنوان نمونه، طی مشاهده مشارکتی که یک مدت با معلولین همراه بودم، با سه رفتار از این نوع برخوردیم. یک روز فردی را دیدم که به کارمند اداره مذکور مراجعه و مشکلات خود را به وی بازگو کرد. کارمند در پاسخ به سوال مراجعه‌کننده کلماتی را گفت، اما پیرمرد معلول منظور کارمند را نفهمید و

اهمیت تاب‌آوری سکونت‌گاه‌ها در مقابل سیل

♦ محمدامین بیانی، کارشناس ارشد طراحی شهری

مقدمه

در پی باران‌های شدید موسمی سال ۲۰۱۰، رود سند بالا آمد و چهار ولایت پاکستان را گرفتار سیل کرد. در جریان این مصیبت بیش از دوهزار نفر جان‌های‌شان را از دست دادند و صدمات جبران‌ناپذیری بر اقتصاد این کشور وارد شد. شدت ضربه این اتفاق بسیار سریع و با ابعاد بسیار وسیع چنان بود که اینک پس از ۱۰ سال، پاکستان، هرگز پاکستان سابق نشد.

سیل، زلزله، رانش زمین و سایر بلایای طبیعی، خطرات جبران‌ناپذیری هستند که زنده‌گی روزمره مردم سراسر جهان را در سکونت‌گاه‌های‌شان (شهری و روستایی) تهدید می‌کند. این مساله وقتی جدا اهمیت می‌یابد که طبق مطالعات انجام شده بر روی روندهای تغییرات اقلیمی کره‌ی زمین در ۱۵۰ سال گذشته، سرعت و شدت تخریب بلایای طبیعی افزایش یافته است؛ در حالی‌که در بسیاری از شهرهای جهان، توانایی مردم در مقابله با حوادث کاهش یافته است؛ زیرا رشد شهری و سکونت‌گاهی در این کشورها با برنامه‌ریزی علمی و منطقی صورت نپذیرفته است. مردم آموزش کافی ندیده‌اند و آماده‌گی کافی ندارد و دولت در به کارگیری اصول مدیریت بحران ناتوان است. این یادداشت با مطالعه بر روی اثرات زیست محیطی سیل و بازخوردهای آن در سکونت‌گاه‌های شهری و روستایی، ارائه راهبردهایی برای کنترل این پدیده، پیش‌گیری از بحران‌ها، کاهش خطرپذیری و لزوم ایجاد تاب‌آوری سکونت‌گاه‌های جدید را در کانون توجه خود قرار داده است.

تاب‌آوری و تغییرات اقلیمی

تغییر در الگوی سیستم‌های محیط زیست می‌تواند چالش‌های متعدد و پیچیده‌ای را برای سکونت‌گاه‌های انسانی ایجاد کند. برای مثال تغییر در روند الگوی بارنده‌گی یکی از نشانه‌های اختلال در سیستم محیطی است که می‌تواند در روند اکوسیستم اختلال دائمی ایجاد

کند از جمله پایین رفتن کیفیت آب و خاک، بالا رفتن آلاینده‌ها، مشکلات در بخش‌های کشاورزی و تهدید امنیت غذایی و در نتیجه به فقر و ناامنی و نایمنی انسان منجر شود.

تاب‌آوری توانایی یک سیستم در تحمل تنش‌های وارده به آن و کارا ماندن و هم‌چنین توانایی بازگشت به وضعیت اولیه در برابر مخاطرات است. تاب‌آوری دارای جنبه‌های مختلفی است. تاب‌آوری در یک سیستم زیست محیطی بر ابعاد فضای-مکانی، تکنولوژیکی، کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و در مقیاس‌های جهانی، ملی و منطقه‌ای استوار است. به عبارتی دیگر، تاب‌آوری مؤثرترین رویکرد همه‌جانبه‌ای است که با هدف کاهش اثرات مخرب بلایایی طبیعی بر سیستم زیست محیط در نظر گرفته شده است. امروزه دولت‌ها می‌کوشند تا با ارتقای تاب‌آوری جوامع‌شان در برابر مخاطرات طبیعی، زنده‌گی مردم را در مناطق پرخطر بهبود بخشند. این دولت‌ها که دغدغه سکونت تاب‌آور و پایدار دارند، خودشان را حین و پس از یک رویداد طبیعی؛ ملزم به برنامه‌ریزی، مدیریت و تامین منابع جهت توسعه ظرفیت‌های آماده‌گی در برابر بحران، می‌دانند.

راهبردهای تاب‌آوری سکونت‌گاه‌ها

برای ایجاد تاب‌آوری در سکونت‌گاه‌ها ابتدا دولت باید سیاست‌هایش را روشن کند. به طور واضح از سازمان‌های عمومی بخواهد که در همکاری با بخش خصوصی و مردم برای آینده زنده‌گی در سکونت‌گاه‌های شهری و روستایی برنامه آموزش و مدیریت مدون داشته باشند. زیرا در هنگام وقوع یک سانحه، همه بخش‌ها آسیب پذیرند. این برنامه می‌تواند به چهار بخش عمده تقسیم شود که لایه‌های مختلف مدیریتی و سازمان‌دهی را شامل می‌شود:

الف)مدیریت تاب‌آور: حکومت‌داری باید به خوبی سازمان‌دهی شده باشد، به طوری که دولت محلی یا شهرداری؛ آگاه، مجهز و مستقل با تکیه بر دانش و تجربه عناصر بومی بتواند در برابر بحران ایستاده‌گی کند، زیرا مشارکت مردمی و سازماندهی بهینه نیروی مردمی اولین

سکونت موثر است.

د)کالبد تاب‌آور: در ارتباط با ایجاد کالبد تاب‌آور، منزل‌های کارآمد و خانه‌های پر دوام دو سوال مطرح است: چگونه می‌توان از کالبد فعلی به خوبی محافظت کرد؟ کالبد آینده چگونه باید باشد؟ بسیاری از شهرهای ما از نابسامانی کالبدی-فضایی رنج می‌برند. بافت فرسوده موجود در شهرها در برابر مخاطرات آسیب‌پذیر اند. بر کمیت و کیفیت ساختمان‌ها نظارتی وجود ندارد و در جهت استحکام عناصر کالبدی اقدامات حمایتی دولتی وجود ندارد. ما باید برای شهرها و سکونت‌گاه‌های آینده‌ی‌مان مقاوم‌سازی کالبدی را در دستور کار داشته باشیم و بازآفرینی محلات قدیمی و فرسوده را سرلوحه کار قرار دهیم، در این برنامه‌ها معماران و طراحان موظفانند مطابق با استانداردهای جهانی ساختمان‌ها را اعمار کنند. برای تامین هزینه‌ها، وام‌ها و کمک‌های دولتی ضروری است زیرا برنامه برای آینده است و ممکن است مردم سرمایه کافی برای نوسازی در اختیار نداشته باشند. کالبد تاب‌آور در سطح محلات مطرح می‌شود.

پروان در بحران

در دو چند گذشته و در پی بارنده‌گی بی‌سابقه‌ای در نواحی شرقی کشور، بخش وسیعی از ولایات را سیل برداشته است. کانون بحران، شهر چاریکار مرکز ولایت پروان است. بر اساس گزارش‌ها تاکنون بیش از ۱۰۰ نفر از مردم محل در نتیجه این سیل ویرانگر کشته شده‌اند. در قریه‌جات خانه‌های گلی مردم به آوار بدل شده است و امدادگران مشغول بیرون کشیدن اجساد از دل آوار اند. در میان این مصائب خوشبختانه گروه‌های داوطلب یاری‌رسان افغان از سراسر کشور و جهان اعلام آماده‌گی کردند ولی ابعاد این فاجعه به حدی بزرگ است که امداد نتوانسته به بعضی از قریه‌جات و نواحی برسد. حال لازم است از دولت‌مان مطالبه کنیم برای جلوگیری از مخاطرات سیلاب که از نظر تکرار وقوع و مرگ‌ومیر بیش‌ترین و از نظر اقتصادی، پرهزینه‌ترین خطر طبیعی در جغرافیای افغانستان است. چه چاره‌ای اندیشیده است؟ در مورد سایر بحران‌ها چه برنامه‌ریزی مدون و جامع تدارک دیده است؟

ج)زیرساخت تاب‌آور: زیرساخت تاب‌آور عبارت است از زیرساختی که در برابر ناملایمات محیطی بهترین واکنش‌ها را داشته باشد. مخصوصاً زیرساخت‌هایی که در بخش‌های اقتصادی و اجتماعی سکونت‌گاه مطرح است، تا مردم بتوانند پس از عبور از بحران به زنده‌گی نرمال خود بپردازند. یکی از مشکلات عمده شهرهای افغانستان، عدم توجه به مدیریت آب‌های سطحی است. وقتی یک شوک محیطی مانند بارنده‌گی لحظه‌ای به وقوع می‌پیوندد شبکه‌ی زه‌کشی قادر به انتقال بار اضافی نیست و این مساله منجر به آب‌گرفته‌گی معابر می‌شود و کل شبکه حرکت و دسترسی شهر زنجیروار مختل می‌گردد. در بارگذاری ساختمان‌ها و تأسیسات شهری، باید مناطق هم‌جوار را لحاظ کرد. زیرا مطلوبیت زیرساخت هر ناحیه متأثر از نواحی هم‌جوار است از طرفی عوامل طبیعی مانند رودخانه یا دره‌های پر شیب و … بر میزان ایمنی محل

شکایت از رییس صحت عامه بامیان؛ مرجعی برای شنیدن هست؟

ایلیاس طاهری



پس از شکایتهای متواتر، سرانجام اداره محلی بامیان هیأتی را به ریاست معاونان والی توظیف می‌کند تا شکایتهای مردم را بررسی و یافته‌هایش را به مقام ولایت ارائه کند.

هیأت در گزارشی می‌نویسد که مشکلات زیادی در مراکز صحت عامه بامیان وجود دارد. هم‌چنان در بخشی از گزارش هیأت آمده که اقدام به تبدیلی چندین قابله و استخدام فردی به عوض فرد دیگر، ناموجه، خلاف قانون و سلیقه‌ای بوده است.

اما رییس صحت عامه تمامی ادعاهای مطرح شده علیه خود را رد می‌کند: «یک عده ممکن است خواست‌های شخصی داشته باشند و به خواست‌های شخصی‌شان رسیده‌گی نکردیم. شاید عده‌ای شده باشند و به نام قوم، منطقه و به نام سلیقه موضوع را مطرح کنند. این ادعاها قطعاً حقیقت ندارد. اگر ادعا نیست، بفرمایند یک مورد را مطرح کنند که من بین احمد و محمود تفاوت قابل شده باشم. اگر چنین چیزی باشد، من حاضرم از مردم بامیان معذرت بخواهم و از ریاست صحت عامه نیز استعفا کنم».

آقای ناصری می‌افزاید شوراها و انکشافی مرجع رسیده‌گی به شکایات‌شان را گم کرده‌اند: «اصول ایجاب می‌کند که شوراها شکایات را به ریاست صحت عامه بدهند؛ در صورتی که شکایات بررسی نشد، آن زمان به آدرس ولایت بفرستند. اما شوراها مستقیماً به وزیر نوشته کرده‌اند که این‌جا کمبود دوا است. این دسیسه است».

به گفته‌ی آقای ناصری، ریاست‌های صحت عامه در هر کلنیک یک شورای صحتی نیز دارد که هیچ‌کدام از شکایات‌نامه‌های موجود، توسط شوراها صحتی تأیید نشده است. به باور وی، تعداد محدودی از شوراها انکشافی بدون معلومات از عرضه‌ی خدمات صحتی، به اساس شناخت و روابط شخصی با «توطئه‌گران»، علیه او عریضه ترتیب داده‌اند: «جملاتی که در عریضه‌ها به کار رفته اگر از لحاظ تخنیکی و مسلکی به آن نگاه شود، فهمیده می‌شود که یک عده از احساسات مردم استفاده سوء کرده‌اند».

شکایت دیگری از عمل کرد مؤسسه «عرضه‌ی خدمات صحتی آغاخان» در بامیان نیز صورت گرفته که گویا این مؤسسه در صدد «حذف» کادرهای محلی بامیان است. در شکایات‌نامه مشخصاً از منکف شدن شخصی به نام «قدرت‌بیک حیدری» از پست مسوول منابع بشری دفتر «AKHS» توسط مؤسسه یادشده است. یافته‌های هیأت در رابطه به منکفی «قدرت‌بیک حیدری» نشان می‌دهد که او بر مبنای «پالیسی مؤسسه و قانون کار جمهوری اسلامی افغانستان» منکف نشده بلکه به شکل «سلیقه‌ای» از کار برطرف شده است. در یافته‌های هیأت آمده که آقای حیدری بدون «هیچ نوع قیدوشرط» به وظیفه‌اش برگردد.

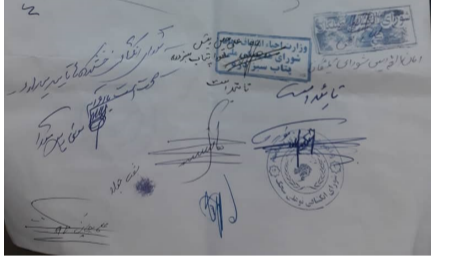


اداره محلی بامیان، در ۱۱ جوزای سال جاری، یک کاپی از گزارش این هیأت را به وزارت صحت عامه ارسال می‌کند و خواهان حل مشکلات می‌شود. اما یک روز بعد، مقام ولایت در نامه‌ی دیگر به وزارت صحت عامه می‌نویسد که مکتوب شماره (۳۹۲) با «دو ورق ضمایم آن» به لحاظ «اشتباه تایپی عنوانی آن وزارت محترم تحریر گردیده است».

مکتوب نمبر (۴۰۵) مقام ولایت از وزارت صحت عامه می‌خواهد که مکتوب نمبر (۳۹۲) این ولایت را جنساً با ضمایم آن مسترد کند؛ زیرا مشکلاتی که در یافته‌های هیأت ذکرشده از توان اداره محلی بامیان خارج نبوده و در سطح ولایت قابل حل است. اما فعالان مدنی و برخی نماینده‌گان بامیان در شورای ملی و شورای ولایتی هنوز هم شکایات‌هایشان با برجا است. چندی پیش طیبه خاوری عضو شورای ولایتی بامیان گفته بود، «هیچ‌کس» نیست در این باره تصمیم بگیرد. با این همه، سرپرست و نامزدوزیر وزارت صحت عامه در سفرش به بامیان، برای فعالان مدنی و باشندگان این ولایت وعده داده که به مشکلات در بخش عرضه‌ی خدمات صحتی پایان می‌دهد.

در رابطه به فساد مالی به ما رسیده چه قدر حقیقت دارد. به بیان وی، این نماینده‌ی مجلس خودش موضوع را «بررسی نکرده که فساد مالی را تثبیت» کرده باشد؛ بلکه شاید کسانی باشند که برای وکیل صاحب موضوع را به شکل «اورونه رسانده باشند».

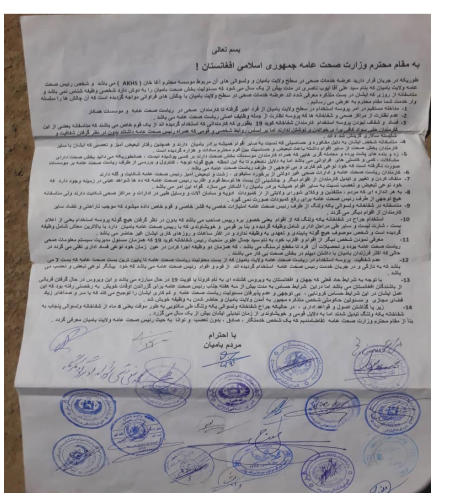
آقای ناصری خود را مکلف به پاسخ‌گویی در قبال کارهایش می‌داند و تأکید می‌کند که او من‌حیث رییس صحت عامه حاضر است برای این نماینده‌ی مجلس و در کل مردم بامیان از «شفافیت» در کار خود اطمینان دهد.



این موضوع تازه‌ای نیست؛ بلکه چند ماه پیش نیز شماری از نهادهای جامعه مدنی، برخی اعضای شورای ولایتی، تعدادی از شوراها و انکشافی روستاها و چند تن از کارمندان صحتی این ولایت، به دلیل بروز مشکلات در بخش‌های مختلف، از رییس صحت عامه شکایت کرده بودند.

شکایات‌نامه‌های متعددی در پیوند به نحوه‌ی ارائه خدمات صحتی، رفتارهای سلیقه‌ای رییس صحت عامه، برخورد دوگانه با کارمندان صحتی و سوءاستفاده از صلاحیت‌های وظیفه‌ای علیه رییس صحت عامه وجود دارد که برخی از این عرایض در اختیار ۸ صبح نیز قرار گرفته است.

همین‌طور پلان تبدیلی چندین قابله به دورترین مراکز صحتی، استخدام فردی به عوض شخص دیگر که قبلاً از طریق پروسه‌ی رقابتی کامیاب شناخته شده، توسل به تعصبات قومی و سمتی، پایین بودن کیفیت خدمات صحتی و ... از مهم‌ترین شکایات‌هایی‌اند که اعضای شورای ولایتی، فعالان جامعه مدنی و شماری از شوراها و انکشافی ولسوالی‌ها، به صورت مکتوب عنوانی وزارت صحت عامه و مقام ولایت بامیان فرستاده‌اند.



پزشکان شکایت کرد. وی گفت، از ساعت دو بجای پس از چاشت که به شفاخانه مراجعه کرده بود، پزشکان تا ناوقت شب حتا خبری از او نگرفتند. علاوه بر این، تشناب‌های شفاخانه‌ی کووید-۱۹ وضعیت درستی نداشت و تعدادی از آن‌ها به دلیل موجودیت زباله‌های زیاد، وضعیت نامناسبی داشت. شفاخانه‌ی اختصاصی کووید-۱۹ در بامیان، دارای بیست بستر است. مرکزی که به باور فعالان مدنی، پاسخ‌گوی نیازمندی‌های این ولایت نیست. آقای ذکی از فعالان مدنی بامیان می‌گوید که چندین بیمار به دلیل عدم رسیده‌گی و ناکارایی بخش صحت، در این شفاخانه جان‌هایشان را از دست داده‌اند.

طیبه خاوری، عضو شورای ولایتی بامیان نیز از ضعف مدیریتی و موجودیت فساد در ریاست صحت عامه سخن می‌گوید. به گفته‌ی خاوری، شورای ولایتی در جریان نظارت‌هایش از عرضه‌ی خدمات صحتی، متوجه چالش‌های فراوانی شده و با آن‌که یافته‌های خود را به ولایت و ارگان‌های محل فرستاده، اما نتیجه‌ای نگرفته است.

بر بنیاد گفته‌های این عضو شورای ولایتی، حتا زمانی که هیچ مرجعی به گزارش آن‌ها از وضعیت خدمات صحتی توجه نکرد، عده‌ای از اعضای شورا تصمیم گرفتند تا به رسم اعتراض، فعالیت ریاست صحت عامه را با بستن دروازه‌ی این نهاد، متوقف کنند. اما با پادرمیانی محمدطاهر زهیر والی پیشین بامیان، اعضای شورای ولایتی از تصمیم‌شان منصرف می‌شوند.

به گفته‌ی خانم خاوری، رییس صحت عامه به تنهایی «حکومت تک‌تازی را در صحت عامه راه انداخته و هیچ کسی نمی‌تواند کاری کند، شورای ولایتی، ولایت، وزارت و هیچ‌کس نمی‌تواند در این باره تصمیم بگیرد».

علی‌آقایوب ناصری اما می‌گوید، ریاست‌های صحت عامه عملاً تطبیق‌کننده برنامه‌های صحتی نیست، بلکه وزارت صحت عامه در سطح کشور عرضه‌ی خدمات صحتی را به مؤسسات تطبیق‌کننده سپرده که در ولایت بامیان مؤسسه عرضه خدمات صحتی آغاخان است. با این حال، ریاست‌های صحت عامه فقط وظیفه دارند از کار آن‌ها نظارت کنند.

محمدرحیم علی‌یار نماینده‌ی بامیان در مجلس نماینده‌گان نیز حرف‌هایی از وجود فساد مالی و نیز کم‌کاری در ریاست صحت عامه بامیان به زبان می‌آورد. آقای علی‌یار چندی پیش در نشستی گفته بود که میان او و فکوروی بهشتی نماینده‌ی دیگر بامیان، درباره رییس صحت عامه اختلاف نظر وجود دارد. او این موضوع را در حالی یادآوری می‌کرد که شماری آقای بهشتی را به حمایت از رییس صحت عامه متهم می‌کنند.

سید جمال فکوروی بهشتی، چندی پیش در واکنش به این موضوع گفته بود که علی‌آقایوب ناصری، از طریق اصلاحات اداری رییس صحت عامه بامیان شده و او هیچ‌گونه حمایتی از وی نکرده است. آقای علی‌یار اما گفت، برایش ثابت شده که رییس صحت عامه آلوده به فساد می‌باشد؛ ولی این موضوع برای آقای بهشتی برعکس ثابت شده است.

واکنش رییس صحت عامه نسبت به ادعاهای و شکایات

اما رییس صحت عامه ضمن این‌که انعکاس شکایات مردم را از وظایف نماینده‌گان مجلس می‌داند، می‌گوید: «مشکل این‌جا است که وکیل صاحب به حیث نماینده مردم در شورای ملی هیچ‌گاهی نخواست در ریاست صحت عامه مراجعه کند و یا ما را در حضور خود بخواد و بپرسد این گزارشی که

مدتها است که ریاست صحت عامه ولایت بامیان و شخص سیدعلی آقا ایوب ناصری رییس این نهاد، به خاطر آن‌چه «ضعف در عرضه خدمات صحتی» در بامیان خوانده می‌شود، مورد انتقادهای بی‌دریبی فعالان جامعه مدنی، شماری از اعضای شورای ولایتی، شورای ملی و برخی باشندگان این ولایت قرار دارد.

این شکایات‌ها از ماه‌ها پیش صورت گرفته بود، اما بار دیگر زمانی بالا گرفت که احمدجواد عثمانی سرپرست وزارت صحت عامه چند روز پیش به ولایت بامیان سفر کرد تا وضعیت خدمات صحتی در این ولایت را مورد ارزیابی قرار دهد.

اسماعیل ذکی، از فعالان جامعه مدنی بامیان به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که علاوه بر کاستی‌های زیاد در قسمت عرضه‌ی خدمات صحتی، سهل‌انگاری و بی‌توجهی ریاست صحت عامه نیز سیستم بهداشتی این ولایت را در وضعیت نابسامانی قرار داده است.

آقای ذکی هم‌چنان مدعی است که فساد مالی و اعمال نفوذ اداری در ریاست صحت عامه بامیان وجود دارد. وی تأکید می‌کند مدارک و اسنادی در اختیار دارد که این ادعاهایش را ثابت می‌سازد. این فعال مدنی بامیان می‌افزاید که سرپرست وزارت صحت عامه در جریان نارسایی‌های موجود در بخش صحت قرار گرفته و امیدواری‌ها بر این است تا مورد رسیده‌گی قرار گیرد: «اگر سرپرست وزارت صحت عامه نیز توجه نکند، دادخواهی‌های فعالان مدنی در قسمت کاستی‌های خدمات صحتی هم‌چنان ادامه خواهد یافت».

در همین حال، یک منبع دیگر که نمی‌خواهد از او نام برده شود، در گفت‌وگو با ۸ صبح، وجود فساد اداری در ریاست صحت عامه بامیان را تأیید و به گونه‌ی نمونه از استخدام یک قابله‌ی جامعه در بست «MD» در اوایل امسال در ولسوالی ورس یاد می‌کند. به گفته‌ی منبع فرد استخدام شده، «واجد شرایط این بست نبوده است».

اما سیدعلی آقا ایوب ناصری، رییس صحت عامه بامیان در گفت‌وگو با روزنامه ۸ صبح، ادعاها مبنی بر وجود فساد، سهل‌انگاری و کم‌کاری در ریاست صحت عامه را رد می‌کند و می‌گوید کسانی که این موضوعات را مطرح کرده‌اند، در پی چیدن «دسیسه و توطئه» علیه او می‌باشند.

سفر نامزدوزیر صحت به بامیان برای ارزیابی خدمات صحتی

احمدجواد عثمانی، سرپرست وزارت صحت عامه، جمعه‌ی هفته گذشته، هفتم سنبله در رأس هیأتی به بامیان رفت و هدف از سفرش را «ارزیابی خدمات صحتی» در این ولایت عنوان کرد. شماری از اعضای شورای ملی، نماینده‌گان شورای ولایتی، فعالان جامعه مدنی و باشندگان بامیان در دیدار با سرپرست وزارت صحت عامه، خواهان رسیده‌گی به شکایات‌های مکرر مردم در بخش‌های مختلف سکتور صحت شدند.



آقای عثمانی پس از شنیدن چالش‌های فراراه صحت در این ولایت، از شفاخانه‌ی اختصاصی کووید-۱۹ و شفاخانه‌ی ولایتی بامیان نیز دیدن کرد.

خبرنگار ۸ صبح که در جریان بازدید شفاخانه‌ها حضور داشته، کاستی‌ها و مشکلاتی را در شفاخانه‌ی کووید-۱۹ مشاهده کرده است. به گونه‌ی مثال، حدود پنج نفر در شفاخانه‌ی کووید-۱۹ بستر بودند که به گفته‌ی محمدرحیم علی‌یار نماینده‌ی بامیان در مجلس نماینده‌گان، آن هم به طور «مهندسی شده». در حالی که به نقل از این نماینده‌ی مجلس، در روزهای قبل هیچ کسی آن‌جا زیر مراقبت قرار نداشت و این تعداد هم‌زمان با سفر سرپرست وزارت صحت عامه به بامیان، آن‌جا بستر شدند، موضوعی که بعدتر پزشکان شفاخانه نیز پذیرفتند اما دلیل آن را «سهولت در دیدار سرپرست صحت عامه از بیماران» عنوان کردند.

از سوی هم، دانشجویی که برای تشخیص بیماری‌اش به شفاخانه کووید-۱۹ مراجعه کرده بود، از بی‌توجهی

سال سیزدهم
شماره ۳۴۴۴
دوشنبه
۱۰ سنبله ۱۳۹۹
۳۱ اگست ۲۰۲۰
قیمت: ۲۰ افغانی

 	
<div><div> </div> </div>	<div><div> </div> </div>
<div><div> </div> </div>	<div><div> </div> </div>
<div><div> </div> </div>	<div><div> </div> </div>
<div><div> </div> </div>	<div><div> </div> </div>
<div><div> </div> </div>	<div><div> </div> </div>
<div><div> </div> </div>	<div><div> </div> </div>
<div><div> </div> </div>	<div><div> </div> </div>
<div><div> </div> </div>	<div><div> </div> </div>
<div><div> </div> </div>	<div><div> </div> </div>

◆ نویسنده: جان کا نولې، مشاور روابط عمومي

◆ مترجم: برکت‌الله مسعودی

استاد ديبارتمنت روابط عمومي دانشگاه هرات

همه‌گیری کووید-۱۹ هم یک بحران اجتماعی و هم مالی است که در این حالت اعتماد مت به همکاری و بقای سیاسی سازمان‌ها مرکز می‌شود. از افراد در تمام سطوح سازمان خواسته می‌شود که روش کارشان را از نگاه حرفه‌ای و اجتماعی و نیز طرز زنده‌گی تغییر دهند. به منظور مقابله مؤثر با بحران، هیأت مدیره باید اصول ارتباطات خوب را در نظر بگیرد و اطمینان حاصل کند که مدیریت از آن‌ها پیروی می‌کند.

برای رسیدن به این اهداف، ارتباطات به فرآیندها، سیستم‌ها و ساختارها جهت اطمینان از تفاهم مشترک بین ذی‌نفعان اشاره دارد که:

- آگاهی‌دهی مؤثر از خطرات صحتی و روش مدیریت این خطر‌ها داشته باشید.
- رفتاری را ترویج کنید تا در محیط کار از سلامت جسمی و روانی حمایت کنید.
- این امکان را به سازمان بدهید تا حد ممکن مثرم واقع شود.
- سهام‌داران، ذی‌نفعان و تنظیم‌کننده‌ها را راضی نگه‌دارید.
- به مدیران اطمینان دهید که وظایف‌شان را به درستی انجام دهند.
- محیط را برای بهترین بازگشت ممکن به مرحله اول ایجاد کنید.

در حالی که قبلاً بیماری‌های مهلک مشابه وجود داشته است، اشتباه است که به ساده‌گی کووید-۱۹ را با سایر بیماری‌های مانند سارس، اچ‌آی‌وی، ابولا و آنفولانزای خوکی مقایسه کرد و به ساده‌گی بین تفاوت‌ها و اقدامات مختلف مورد نظر فکر کنید.

تیم مدیریت بحران

اساساً بحران کووید-۱۹سه بیماری همه‌گیر را در کنار هم قرار داده است. ویروس، ترس در مورد ویروس و پی‌آمدهای تجارتی و اقتصادی که می‌توان گفت هر سه این بحران واقعی‌اند. هر کدام به روش‌های ارتباطی مختلفی نیاز دارند. با این حال، آن‌چه که بسیار مهم است این است که علاوه بر انجام آن‌چه برای زنده‌ماندن لازم است، هیأت مدیره هم‌چنین یک هدف عملی را برای آن‌چه که به نظر می‌رسد به بهبودی بیانجامد، تعیین کند.

برای دست‌یابی به این هدف، دو تیم نیاز است. یک تیم که به عنوان تیم اصلی یاد می‌شود، تمرکز آن بر مدیریت بحران و تصمیم‌گیری جهت سریع پاسخ دادن به سوالات مخاطبان کلیدی است و نیز این تیم از رسانه‌های اجتماعی برای رفع و مدیریت بحران کار می‌گیرند.

تیم کوچک‌تر به جایی که سازمان پس از بحران می‌خواهد برسد، توجه دارد. هر دو تیم، مدیریت و هیأت مدیره باید روشن بسازند که هیچ مجازاتی برای ارائه خبرهای بد وجود ندارد.

در شرایط بحرانی مشابه، برخی از شرکت‌های بزرگ استرالیایی یک مرکز مدیریت بحران با توجه به سیاست شرکت و یا دولت، ممکن است به شکل فیزیکی یا مجازی تشکیل دهند که این تیم می‌تواند با یک مدیر پروژه (یک مدیر ارشد اجرایی یا مشاور قابل اعتماد)، مشاور حقوقی داخلی و خارجی، یک شرکت ارتباطات در امور مربوط به شرکت، یک مشاور ارتباطات خارجی، یک تحلیل‌گر داخلی یا خارجی، یک کارمند رابط با سرمایه‌گذاران، یک متخصص جهت تماس با متخصصان داخلی و خارجی را در صورت لزوم را استخدام کند. در حالت ایده‌آل مدیر پروژه به هیأت مدیره و مدیرعامل گزارش می‌دهد. داشتن یک یا دو نفر ضروری است که وظیفهٔ آن‌ها توجه به مراحل اصلی و بررسی حقایق باشد. معمولاً یکی از این اعضای تیم مسوولیت تأسیس یک منبع حقیقت‌یاب را بر عهده دارد و می‌تواند هر فعالیت ارتباطی را مطلع سازد.

این تیم مرکزی مدیریت بحران برای شرکت که با یک صدای واحد برای همه مخاطبان صحبت می‌کند بسیار مهم است و این صدا مطابق با ارزش‌های سازمان است.

در نظر گرفته شود: کووید-۱۹موضوعات مهمی که در ارتباط به پاسخ‌های هیجانی، اعتماد به نفس را لمس می‌کنند

۱-این فقط کارمندان و سایر عموم مردم مضطرب نیستند. مدیران نیز به همین شکل احساس می‌کنند. هنگام بحث در مورد موضوعات و تصمیم‌گیری، احساسات‌تان را بشناسید.

۲- رهبران باید درک کنند که این یک مسأله احساسی-عاطفی است. توضیحات عقلانی و اطمینان خاطر باید با پاسخ عاطفی تکمیل شوند. برای اکثر افراد، کووید-۱۹یک مسأله اقتصادی و عاطفی است تا یک موضوع صحتی.

۳- هر چه در ارتباطات خودتان خاص‌تر باشید، مورد توجه و اطمینان بیش‌تری قرار خواهید گرفت.

۴- هیچ‌کس بیش از حد واکنش نشان نمی‌دهد. در

حقیقت، آن‌چه ما دیده‌ایم این است که برخی شرکت‌ها و برخی دولت‌ها بیش از حد واکنشی نشان نداده‌اند و هنوز تصدیق نمی‌کنند که به چه سرعت تجارت، دولت و عموم نیاز به اقدام دارند. تصمیم‌های صریح و روشن سبب محدودیت در سردرگمی و عدم اطمینان می‌شود. ۵- باید اعتراف کنیم که جهان تغییر کرده است و این تغییر می‌تواند برای ماه‌ها ادامه داشته باشد. گرچه هیچ فایده‌ای نسبت به بدبین بودن وجود ندارد، بیش از حد خوش‌بین بودن اعتمادبه‌نفس را کاهش می‌دهد، به ویژه اگر این سناریوهای خوش‌بینانه به مرور زمان ثابت شوند که کاملاً ناخوش‌آیند هستند. ۶- رسانه‌ی آزاد تنها رسانه‌های موجود نیست. تبلیغات در رسانه‌های سنتی و اجتماعی می‌تواند بسیار مهم باشد.

ارتباطات مؤثر از صحت‌مندی و رفاه کارمندان حمایت می‌کند

-از این جهت محیط کار نیاز به رعایت دقیق مشکلات صحتی، روانی و جسمی را دارد. جریان‌های ارتباطات نیازمند پشتیبانی و بهره‌وری را دارند.

- توانایی کارمندان برای کار از خانه ممکن است تحت تأثیر ملاحظاتی مانند: حضور و الزامات خانواده، محدودیت‌های محیط خانه و لزوم ایجاد تعادل بین کار و زنده‌گی شخصی باشد. آیا استراتژی‌ها، تجهیزات و سیستم عامل‌های برون‌سازمانی وجود دارد که سازمان بتواند برای کمک به این کارمندان از آن‌ها استفاده کند؟

- حمایت از سلامت روحی به عنوان یک مسأله مهم در طول بحران کووید-۱۹پنداشته می‌شود؛ چون بسیاری از کارمندان مجبور اند به سرعت در حال تغییر در محیط‌های کار باشند، که می‌تواند استرس و انزوا را در وجود افراد ایجاد کند.

ارتباطات مؤثر از تجارت موفق حمایت می‌کند

- کانال‌های ارتباطی رو در رو با سرمایه‌گذار، آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و داشتن یک برنامه فعال برای حفظ ارتباط با سرمایه‌گذار و سهام‌داران جهت ایجاد اعتمادبه‌نفس به آنان و ایجاد علاقه به سرمایه‌گذاری در شرکت مفید است. سرمایه‌گذاران علاقه دارند تا از روش‌های مدیریت بحران سازمان‌تان آگاهی یابند.

- ایجاد سناریو جهت برنامه‌ریزی برای تقویت اطمینان از مقابله با بحران بسیار مؤثر است. برقراری ارتباط با ذی‌نفعان و مخاطبان بر اساس بهترین سناریوها به بدترین حالت، نشان می‌دهد که سازمان شما یک رویکرد صحیح دارد و در یک محدوده مورد توجه نتایج احتمالی کار می‌کند.

تجارت به طور معمول

- از طریق پی‌آمدهای زنجیره حمایت‌کننده‌گان و زنجیره ارزشی خود به جست‌وجو و گفت‌وگو بپردازید. مانند بسیاری از بحران‌ها، ممکن است در انتهای دیگر، یک حالت عادی جدید وجود داشته باشد. درک تجربه دیگران، نحوه واکنش مشتریان و واکنش در طی ماه‌های بعدی حائز اهمیت است.

- این زمان برای بررسی مدل کسب و کار شما است. آسیب‌پذیری‌های شرکت‌تان را تعیین کنید. جلوه‌ها و راه‌حل‌های ممکن را مدل‌سازی کنید. سرمایه‌گذاران به دنبال این خواهند بود که سازمان شما به پاسخ روشن نیاز داشته باشد.

- سیستم‌های تکنولوژی معلوماتی، ساختار سازمانی و افراد را مرور کنید. آیا سیستم‌های شما برای مدیریت بحران‌ها و اجرای پاسخ شما مناسب هستند؟ چه تأثیری بر کارکنان کلیدی که از خانه کار می‌کنند، دارند؟ آیا سیستم‌های شما می‌توانند به روش‌های مختلف کار پاسخ دهند؟

- روش‌ها و سیاست‌های منابع بشری را برای دوره‌های بحران و پس از بحران مرور کنید. اکنون و در طولانی مدت چه خواهند بود؟ پی‌آمدهای بحران از نظر حفظ کارمندان چیست؟ آیا کارمندان‌تان در طول بحران و پس از بحران برای شما اهمیت دارد؟

- ساختار نیروی کار فعلی شما چیست؟ اگر بحران شش ماه دوام کند، ساختار کاری شما چه خواهد شد؟ اگر ۱۲ ماه دوام کند، چطور؟ چگونه سازمان را در اختیار داشتن توانایی‌های مورد نیاز پس از بحران قرار می‌دهید؟ آیا از شرایط مناسبی برای محیط فعلی شغلی در حال تحول برخوردار هستید؟

مفاهیم مربوط به برنامه‌های ارتباطی COVID-۱۹
با قرار دادن کووید-۱۹به عنوان درگیری با سه بحران (ویروس، هراس، تأثیر اقتصادی)، پی‌آمدهای برنامه ارتباطی روشنی وجود دارد. این‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: همکاری بین هیأت مدیره

و مدیریت، برنامه‌های ارتباطات داخلی و برنامه‌های ارتباطات بیرونی.

همکاری بین هیأت مدیره و مدیریت

- مطمین شوید که تیم مدیریت بحران و تیم برنامه‌ریزی برای پس از بحران، جریان گزارش‌گری خوبی بین هم دارند و از ارائه اخبار خوب و بد به هیأت مدیره امتناع نمی‌ورزند.

- درباره این‌که چه کسی ارتباطات سازمان را رهبری می‌کند، مطمین باشید. این ممکن است مدیرعامل یا رییس سازمان باشد، اما نمی‌تواند هر دو باشند. باید هر کسی که انتخاب شده بدون ابهام باشد.

- ایجاد پارامترهای واضح برای رهبری واحد ارتباطات؛ آرام باشید، استوار باشید، ساز‌گار باشید، شفاف باشید، هم‌دل باشید، یک صدای قابل اعتماد باشید، بیش از حد خوش‌بین نباشید، به وعده‌هایی که نمی‌توان عمل کرد، قول ندهید و بیش از حد بدبین نباشید. ترس از گفتن این که «من در حال حاضر واضح‌ترین جواب را به شما می‌دهم و شما را آگاه می‌سازم» نداشته باشید. - آگاه باشید که در این شرایط همیشه بین ارائه اطلاعات دقیق و ارائه سریع اطلاعات، زمان‌بندی وجود دارد. مراقب هرگونه تمایل به انتظار و دیدن باشید. اغلب توصیه می‌شود که به سرعت و با آن‌چه معلوم است سریعاً اطلاعات را ارائه نکنید، منتظر بمانید تا قبل از برقراری هر چیزی تمام واقعیت‌ها اثبات شود.

- مخاطبان‌تان را درک کنید. چه کسی برای تجارت شما مهم است و چه کسی تحت تأثیر فعالیت شما قرار گرفته است و اولویت‌ها و واکنش‌های هر مخاطب نسبت به سه بحران فوق چیست؟

- از صحبت کردن بر حسب سناریوها یا احتمالات نترسید.

- ارتباط را به صورت کوتاه بر قرار سازید و از طولانی کردن ارتباط خوددار کنید.

- با اظهارات و مواضع توافق شده آماده باشید. به عنوان مثال، وقتی یک کارمند تست کووید-۱۹اش مثبت می‌شود، سازمان چه می‌کند؟

برنامه‌های ارتباطی داخلی

هر گروه از کارکنان از سطوح مختلف درک و توانایی تفکر نسبت به آن‌چه که اتفاق می‌افتد، برخوردار اند، روش‌های مختلف پاسخ به بحران وجود دارد (منطقی، عاطفی، آرام، اضطراب و غیره) و روش‌های مختلف برای مقابله با بحران وجود دارد: (مطالعه خصوصی و کار در خانه، آشپزی در خانه با خانواده، از دست دادن درآمد و غیره). درک این مسأله که اکنون کارمندان شما در کجا به سر می‌برند، مهم خواهد بود و در صورت امکان، درک کنید که چگونه این امر با گذشت زمان تغییر می‌کند.

برخی ملاحظات مربوط به مدیریت ارتباطات داخلی:

- رهبری قابل فهم برای ایجاد اعتماد ضروری می‌باشد. - اضطراب و عدم اطمینان تأثیر منفی قدرت‌مندتری نسبت به خبرهای واضح و بد دارد. اگر خبر بدی دارید، آن را با همدلی ارائه کنید و سعی نکنید آن را پنهان کنید.

- به کارکنان این فرصت را بدهید که احساسات‌شان را ابراز کنند و آن‌ها را تشویق کنید تا سوال کنند و پاسخ مستقیم دریافت کنند.

- احساس نکنید که باید نسبت به «این سرانجام پایان می‌یابد» خوش بین باشید.

- کارمندان به دنبال رهبرانی هستند تا اضطراب و ترس را کاهش دهند، نه این که آن را افزایش دهند. اطمینان خاطر را تأمین کنید، اما وعده‌هایی را که توان انجام آن را ندارید، ندهید.

- به کارمندان کمک کنید تا از طریق مشاورت‌های بحران با مقامات مختلف در تماس شوند و نیز پل‌های تماس با منابع معتبر اطلاعات مربوطه را تهیه کنید.

- دقت کنید که چگونه دستورالعمل‌ها یا درخواست‌ها به کارمندان در راستای حفظ وظیفه صورت می‌گیرد، به ویژه با توجه به اضطراب شدید و تعهدات قانونی که وجود دارد.

- در جایی که آن‌ها از طریق کانال‌های ارتباطی قابل دست‌رس کار می‌کنند، مکانیسم‌های جدیدی را برای حفظ حس تعلق به محل کار در وجود آن‌ها ایجاد کنید.

- در نظر بگیرید که یک محیط کار آنلاین را جایگزین محل کار فیزیکی کنید که این امر برای کارمندان‌تان مهم و حیاتی است.

- مناسب‌ترین کانال‌های دو طرفه ارتباطی را برای آگاهی دادن به کارکنان‌تان از تحولات مربوط به شرکت را مشخص کنید و به آن‌ها اجازه دهید تا در

استراتژی‌های موثر ارتباطات بحران در داخل و خارج سازمان

یک محل کار آنلاین هم‌مانند محیط کار فیزیکی سوال کنند یا به دنبال شفاف‌سازی باشند.

- به یاد داشته باشید که افراد، ممکن است احساس انزوا کنند و حفظ تماس‌های تک‌به‌تک با افراد کلیدی و کارمندانی که ممکن است احساس اضطراب داشته باشند ضروری است.

- کارکردن به صورت مجازی و از راه دور به این معنا است که در اجرای کارهایی که از کارمندان می‌خواهید، بسیار ویژه خواهید بود. نه تنها در مورد آن‌چه اکنون باید انجام شود بلکه در مورد آن‌چه در آینده باید انجام شود بحث کنید.

- بار دیگر و بار دیگر همان پیام را ابلاغ کنید: در مواقعی مانند این که شما از گفتن آن مضطرب هستید، کارمندان شما تازه شروع به دریافت آن می‌کنند.

برنامه‌های ارتباطی خارجی

تجزیه و تحلیل مخاطبان و داشتن نقشه از آنان به شما این امکان را می‌دهد تا مشخص کنید چه کسی برای تجارت شما مهم است و چه کسی تحت تأثیر فعالیت شما و اولویت‌هایی که برای برقراری ارتباط دارند قرار گرفته است. هم‌چنین کارمندان (در مورد ارتباطات داخلی در بالا مورد بحث قرار گرفت)، سایر ذی‌نفعان شامل سرمایه‌گذاران، مشتریان، تأمین‌کننده‌گان، تنظیم‌کننده‌گان و جوامع می‌شوند. همه اندازه‌ها یک‌سان نیست، بنا بر این شرکت‌های مختلف مخاطبان خارجی متفاوتی با اولویت‌های مختلف خواهند داشت. با این وجود، ایجاد اعتماد به این مخاطبان برای بقای سازمان شما از طریق این بحران‌ها کار اساسی خواهد بود.

برخی ملاحظات مربوط به مدیریت :

- اولویت‌بندی واضح و مشخصی را برای مخاطبان خارجی خودتان ایجاد کنید، بدانید که آن‌ها چه چیزی را باید بدانند، چگونه می‌خواهند اطلاعات خودشان را دریافت کنند و چند بار دوست دارند اطلاعات را با آنان در میان بگذارید.

- اگر می‌خواهید با دولت ارتباط برقرار کنید، آن را مؤثر سازید. اگر سازمان شما به اندازه کافی بزرگ است، اطلاع‌رسانی دولت‌های محلی، ایالتی یا فدرال از روندهایی که می‌بینید، ممکن است مؤثر باشد.

- اطمینان حاصل کنید که تمام ارتباطات روشن، مؤجز و پرمعنا است. با ارتباط بی‌معنا وقت و فرصت را هدر ندهید، بلکه برای تکرار نکات کلیدی و موضوع‌ها آماده باشید.

- از بیان هم‌دلی و درک احساسات و موقعیت‌های فردی، سازمانی، سکتوری و اوضاع اجتماعی نترسید و نحوه تلاش‌تان در راستای کمک به آنان روشن سازید.

- از تجزیه و تحلیل سناریو، مدل کسب‌وکار، زنجیره حمایت‌کننده‌گان و مدل‌های زنجیره ارزشی استفاده کنید تا متوجه شوید که چطور درک و

بیان شما از چگونه‌گی سازمان می‌تواند به مشتریان و تأمین‌کننده‌گان کمک کند و در وقت مناسب سرمایه‌گذاران را از نحوه مدیریت بحران و خطر آگاه سازید.

سوالات اصلی جهت بررسی برنامه‌ی ارتباطی کووید-۱۹

- آیا هیأت مدیره و مدیریت از نظر نقش و مسوولیت‌های ارتباطات بحران یک‌سان و مشخص هستند؟ در کوتاه‌مدت و اگر این بحران ۶ تا ۱۲ ماه ادامه داشته باشد؟

- آیا هیأت مدیره تمام اطلاعات لازم را برای درک طیف گسترده‌ای از خطرات برای کارمندان، سازمان ما و صنعت ما دارد؟

- آیا مدیریت شما برای استراتژی و برنامه‌های ارتباطی‌اش، هدف مشخصی از تجارت دارد؟

- آیا شرکت دارای یک استراتژی ارتباطی جامع است یا فقط برنامه‌های ارتباطی بحران است؟

- آیا هیأت مدیره می‌داند که ذی‌نفعان حساس سازمان چه کسانی‌اند و برای برقراری ارتباط با آن‌ها برنامه شنیدن و ارائه مطالب برای‌شان وجود دارد؟

- آیا هیأت مدیره اطمینان دارد که سازمان به هر کارمند و قراردادکننده نزدیک شده است؟

- آیا هیأت مدیره می‌داند که سازمان چگونه با مشتریان ارتباط برقرار می‌کند و چگونه رفتار مشتری، احساسات و حکایات به طور مؤثر گزارش می‌شود؟

- آیا هیأت مدیره درک درستی از حفظ وظیفه در رابطه با تنظیمات کاری تغییر یافته، سلامت جسمی و روانی کارمندان ما دارد و چگونه سازمان قصد دارد به طور مستمر با کارمندان ارتباط برقرار کند؟

- آیا دیدگاه و روش هیأت مدیره در مورد روش مدیریت ارتباطات و ایجاد اعتمادبه‌نفس به سرمایه‌گذاران از طریق این بحران روشن است؟

نگاهی به سروی کووید-۱۹ در افغانستان؛ بی پاسخی به پرسش‌های اساسی

یادداشت: وزارت صحت عامه نتایج سروی سراسری‌اش درباره میزان ابتلا به ویروس کرونا در کشور را در پانزدهم اسد همه‌گانی کرد. طبق این سروی، از زمان ثبت نخستین مورد ابتلا به این ویروس در پنجم حوت پارسال در هرات تا زمان انجام این سروی ۳۱ درصد جمعیت کشور (۱۰ میلیون نفر) به کووید-۱۹ مبتلا شده بودند. در این مطلب، سروی وزارت صحت عامه از زوایای مختلف مورد ارزیابی و نقد قرار گرفته است.

اول از همه باید آفرین گفت به دوستانی که سعی کردند در این سروی اطلاعات مفیدی ارائه بدهند. انجام سروی در افغانستان، با داشتن امکانات کم و نبود امنیت مناسب و مهم‌تر در جریان شیوع ویروس کرونا، کاری بس دشوار است. اما نکاتی در این سروی هست که نبود امکانات و امنیت، آن‌ها را توجیه نمی‌کند و به نظر من ذکر آن‌ها شاید در آینده به انجام یک سروی بهتر بیانجامد.

۱- قسمت پیش‌تر صفحات اول و آخر این سروی، «کاپی - پیست» است که گاهی منبع آن ذکر شده است و گاهی نه. قابل یادآوری است که حتی با ذکر منبع هم، کاپی - پیست امر درستی نیست و باید مطلب را با منبع، اما واژه‌ها و اصطلاحات خود نوشت.

۲- همین کاپی - پیست کردن باعث شده چیزهایی نوشته شود که در عمل انجام نشده است. مقاله عنوان می‌کند که قرار است با این سروی به چهار هدف دست پیدا کند:

الف- تعیین میزان عفونت کووید-۱۹ در جمعیت میزان بروز در سنین خاص، با توجه به «سروپازیتیوی» و علائم کلینیکی

ب- تعیین جمعیت بدون علائم بالینی

ج- تعیین میزان مرگ‌ومیر در زمان‌های متفاوت (از مارچ ۲۰۱۹)

د- شناسایی علل مرگ‌ومیر از مارچ ۲۰۲۰

به جز مورد اول که آن هم ناقص مانده است، به سه مورد

دیگر حتا اشاره هم نشده است.

۳- در ادامه، به قسمت میتود سروی می‌رسیم. در این‌جا اشاره می‌شود که نمونه‌ی خون از شرکت‌کننده‌گان برای تست‌های RDT و ELISA گرفته شده و همین طور پرسش‌نامه‌ای که شامل محل سکونت، علت مرگ در خانواده در ۱۵ ماه گذشته و بیماری‌های زمینه‌ای و سوالات دیگر است، خانه‌پری می‌شود. باید اشاره کنم که در ادامه این پرسش‌نامه استفاده‌ی خاصی صورت نمی‌گیرد و فقط محل سکونت شرکت‌کننده‌گان، سن و جنسیت آن‌ها از پرسش‌نامه استخراج می‌شود. به عبارتی، هیچ اطلاعاتی مبنی بر علت مرگ، بیماری‌های زمینه‌ای و داشتن علائم و نداشتن‌شان در سروی ارائه نمی‌شود. ما نمی‌دانیم چه تعداد از شرکت‌کننده‌گان علائم داشته‌اند. نمی‌دانیم چه تعداد از افراد خانواده‌شان در چند ماه گذشته به دلایل متفاوت فوت کرده‌اند. در همین قسمت عنوان می‌شود از که نرم‌افزار STATA استفاده شده است اما این که چه نسخه‌ای از این نرم‌افزار مورد استفاده قرار گرفته است را نمی‌دانیم. این مطلب از آن‌جا اهمیت دارد که اگر روزی دوباره خواستیم این اطلاعات را بازتولید کنیم، به مشکل فنی دچار خواهیم شد و احتمال این که به دلیل عدم تطابق «ورژن» مورد استفاده، نتیجه‌ی یکسانی نگیریم، بسیار زیاد است.

۴- اشاره شد که نمونه‌ی خون افراد برای دو تست ذکر شده، گرفته شده است. این مقاله هیچ اشاره‌ای به روش گرفتن نمونه خون، نحوه‌ی نگهداری آن بعد از دریافت خون بلافاصله، نحوه‌ی انتقال آن به لابراتوار و مدت زمانی که از گرفتن خون تا تست شدن، طول کشیده است عنوان نشده است. در ادامه گفته می‌شود که تست ELSIA انجام نشده است و قرار است بعداً انجام شود. برای انجام

این تست، حداقل درجه‌ی امنیتی لابراتوار، درجه‌ی دو به بالاست. به آن ۲-BSL گفته می‌شود. از آن‌جا که فقط یک لابراتوار درجه دو متعلق به CPHL در کشور وجود دارد، تمام نمونه‌ها از تمام ولایات باید به این لابراتوار فرستاده شود. از انجام سروی حدود یک ماه می‌گذرد و به همین دلیل نحوه‌ی انتقال و نگهداری نمونه‌ها بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. همین طور گفته شده که تست RDT تاییدی FDA دارد و بسیار دقیق است، اما از نام بردن نام تست، تاریخ خرید تست، شرکت سازنده و کشوری که از آن تهیه شده، سخنی به میان نیامده است. این مورد از آن‌جا اهمیت پیدا می‌کند که اگر تستی در آینده مورد ارزیابی بیش‌تر قرار گرفت و نتایج آن زیر سوال رفت، سروی انجام شده به صورت مکمل باید نادیده گرفته شود.

۵- در ادامه گفته می‌شود که برای تست RDT از دو قطره خون سر انگشت استفاده شده و روبه‌روی فرد اشتراک‌کننده تست شده است! همین جمله، تمام حرف‌های گذشته مبنی بر گرفتن خون را دچار تناقض می‌کند. آیا یک‌بار از انگشت فرد دو قطره خون گرفته شده و بار دیگر توسط سرنگ خون گرفته و برای تست ELISA کنار گذاشته شده است؟ نمی‌دانیم.

۶- با توجه به تمام این نکات، به قسمت نتایج می‌رسیم. در این‌جا تعدادی آمار و ارقام ارائه می‌شود اما گفته نمی‌شود چه تعداد از این افراد هیچ علائمی نداشتند؟ و اگر علامتی داشته‌اند چه وقت شروع شده و در زمان گرفتن تست چند روز از داشتن آن علائم گذشته است؟ این نکات، نکات حیاتی در یک سروی هستند که دید نسبتاً وسیع‌تری به ما در مورد عمل کرد این ویروس در کشور می‌دهند. مهم‌تر، این نکته‌ای است بسیار مهم برای تستی چون RDT زمان

انجام تست و بررسی نتیجه‌ی آن، مستقیماً روی برداشت ما از نتیجه‌ی تست تاثیر دارد. اما این سروی فقط به تعداد افراد مثبت و منفی می‌پردازد و در ادامه مسأله جنسیت و سن را هم به آمار خود می‌افزاید. همان طور که در ابتدا گفتیم، این سروی فقط به مورد اول اهداف خود می‌پردازد (البته بدون در نظر داشت علائم کلینیکی) و به سه مورد دیگر نمی‌رسد.

۷- در ادامه چند جمله در مورد COMO Model اضافه می‌شود که این مدل پیش‌بینی کرده است تا آخر سال ۲۰۲۰ حدود بیست هزار نفر در افغانستان قربانی کرونا خواهند شد و یک جدول ناقص با فرمت متفاوت از باقی جدول‌ها هم ارائه می‌شود. دلیل نام بردن از این مدل زیاد معلوم نیست. هیچ اطلاعاتی از این که این مدل چطور کار کرده و چطور به این نتیجه رسیده است نداده و این که آیا نباید در اصل نتایج این سروی به مدل «کومو» اضافه می‌شد و نه این که با آن مقایسه شود؟ از این چند جمله نمی‌شود چیزی گفت.

۸- در نهایت هم سروی به مبحث معافیت کتله‌ای می‌پردازد و این که افغانستان به آن نرسیده است. این سروی به میزان جمعیت هر منطقه نمی‌پردازد تا با استفاده از آن نسبت درستی از پراکنده‌گی این ویروس ارائه بدهد. در عوض به این بسنده می‌کند که بگوید در شهر مردم بیش‌تر گرفتار شده‌اند و مناطق محروم هم منتظر موج بدی باشند. نمی‌دانیم چه تعداد از هر منطقه، مورد آزمایش قرار گرفته‌اند و این آزمایش‌ها با توجه به کل جمعیت چقدر قابل توجه است؟

در پایان، آیا می‌توان به نتیجه‌ی این سروی اطمینان کرد و با توجه و استناد به آن، تصمیم مهمی گرفت؟ این سوالی است که مسوولان صحت افغانستان باید پاسخ بدهند.

تاریخچه انتخابات در ایالت آیداهوی امریکا

کیوان شکوری

ایالت آیداهو به مرکزیت شهر بویزی در شمال غربی امریکا است. طبق آخرین سرشماری جمعیت آن ۸۱۶.۰۶۵.۱۷۸۷ تن است که ترکیب جمعیتی آن از ۸۱.۶ درصد سفیدپوست، ۱۲.۸ درصد اسپانیولی‌زبان یا لاتین‌تبار، ۱.۷ درصد سرخ‌پوست و بومیان آلاسکا، ۱.۶ درصد (Asian) آسیای شرقی، ۰.۹ درصد سیاه‌پوست، ۰.۲ درصد بومیان هاوایی و دیگر جزایر اقیانوس آرام و ۲.۶ درصد دیگر نژادها تشکیل شده است.

از سال ۱۸۹۲ که اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری امریکا در ایالت آیداهو برگزار شده تا کنون مجموعاً ۳۲ دوره این انتخابات در این ایالت برگزار شده است. ۲۱ دوره جمهوری خواهان، ۱۰ دوره دموکرات‌ها و یک دوره حزب مردم یا عوام‌گرا (People's Party OR Populist Party) برنده این انتخابات بوده‌اند. برای بررسی بهتر این انتخابات را به دو بخش تقسیم می‌کنیم. بخش اول از سال ۱۸۹۲ الی ۱۹۶۴ میلادی است که ۱۹ دوره این انتخابات برگزار شده و در این میان ۱۰ دوره دموکرات‌ها، هشت دوره جمهوری خواهان و یک دوره حزب مردم برنده این انتخابات شده‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌کنیم، در این بخش هر دو حزب نزدیک به هم هستند و دموکرات‌ها با اختلاف کمی پیش هستند. اما در بخش دوم که از سال ۱۹۶۸ الی ۲۰۱۶ میلادی است، نتایج کاملاً تغییر کرده است، طوری که همه‌ی ۱۳ انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده در این بخش را جمهوری خواهان برنده شده‌اند. همان‌طور که آمار نشان می‌دهد، علاوه بر این که ایالت آیداهو در انتخابات ریاست جمهوری یک ایالت جمهوری خواه است، جمهوری خواهان در طول تاریخ انتخابات ریاست جمهوری نیز دست برتر را در این ایالت دارند.

در انتخابات مقدماتی سال ۲۰۱۶ از حزب دموکرات برنی سندرز با ۷۸ درصد آرا موفق به شکست هیلاری کلینتون با ۲۱.۲ درصد آرا شد.

از حزب جمهوری خواهه‌ی تد کروز با ۴۵.۴ درصد آرا موفق به شکست دونالد ترامپ با ۲۸.۱ درصد آرا شد.

در انتخابات نهایی ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ دونالد ترامپ با ۵۹.۲ درصد آرا موفق به شکست هیلاری کلینتون با ۲۷.۵ درصد آرا در آیداهو شد و چهار رای الکتروال این ایالت را به حساب خود ریخت.

نکته‌ای که در این انتخابات حایز اهمیت است، تفاوت آرا در انتخابات نهایی است که نشان از شدت گرایش مردم این ایالت به جمهوری خواهان در انتخابات ریاست جمهوری است.

از سال ۱۸۹۰ میلادی تاکنون (اگست ۲۰۲۰) به تعداد ۲۹ سناتور از این ایالت راهی مجلس سنای امریکا شده‌اند که ۱۹ تن جمهوری خواه، ۹ تن دموکرات و یک تن از حزب مردم یا عوام‌گرا (People's Party OR Populist Party) بوده‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌کنیم، جمهوری خواهان دست برتر را در تاریخ این انتخابات دارند. نکته قابل توجه این است که یکی از کرسی‌های این ایالت در مجلس سنا از سال ۱۹۴۹ تاکنون و دیگری از سال ۱۹۸۱ تاکنون در اختیار جمهوری خواهان است و اگر بخواهیم میان‌گین حساب کنیم، در چهل سال اخیر یعنی از ۱۹۸۱ تاکنون هر دو کرسی این ایالت در مجلس سنا در اختیار جمهوری خواهان می‌باشند. پس آیداهو در طول تاریخ این انتخابات، جمهوری خواه بوده و هم اکنون نیز کاملاً جمهوری خواه است.

Bert H. Miller سناتور این ایالت بود که کوتاه‌ترین دوره خدمت را داشت (جنوری ۱۹۴۹ الی اکتبر ۱۹۴۹) و پس از ۱۰ ماه حضور در سنا فوت کرد.

William E. Borah (۱۹۰۷-۱۹۴۰) از حزب جمهوری خواه با ۳۳ سال حضور در سنا و Frank F. Church (۱۹۵۷-۱۹۸۱) از حزب دموکرات با ۲۴ سال حضور در مجلس سنا، با سابقه‌ترین سناتورهای ایالت آیداهو در تاریخ این انتخابات می‌باشند.

Jim Risch و Mike Crapo از حزب جمهوری خواه دو سناتور حال حاضر این ایالت در مجلس سنای امریکا هستند.

از سال ۱۸۹۰ تاکنون ۳۹ نماینده از ایالت آیداهو برای

مجلس نماینده‌گان امریکا انتخاب شده‌اند که ۲۶ تن از حزب جمهوری خواه، ۱۰ تن از حزب دموکرات، دو تن از حزب مردم یا عوام‌گرا (People's Party OR Populist Party) و یک تن از حزب جمهوری خواه نقره‌ای (Silver Republican Party) برنده این انتخابات شده‌اند. Edgar Wilson تنها نماینده‌ای بود که در دوره‌های مختلف با دو حزب متفاوت (جمهوری خواه و جمهوری خواه نقره‌ای) در انتخابات شرکت کرد و ما هم اینجا در آمار تفکیک شده محاسبه کردیم.

از سال شروع این انتخابات ۱۸۹۰ الی ۱۹۳۳ به مدت ۴۳ سال دموکرات‌ها هیچ نماینده‌ای نداشتند و در این سال اولین نماینده از حزب دموکرات انتخاب شد. بعد از این تاریخ دموکرات‌ها کم‌وبیش با ۱۰ نماینده حضور داشته‌اند. اما اگر بخواهیم دهه‌های اخیر را مورد بررسی قرار دهیم، می‌بینیم که از سال ۱۹۹۵ تا کنون به غیر از یک نماینده (۲۰۰۹-۲۰۱۱) بقیه نماینده‌گان منتخب از حزب جمهوری خواه بوده‌اند. در حال حاضر نیز هر دو نماینده این ایالت در مجلس نماینده‌گان امریکا از حزب جمهوری خواه می‌باشند. با توجه به این که جمهوری خواهان در طول تاریخ انتخابات مجلس نماینده‌گان امریکا دست برتر را دارند و در سال‌های اخیر نیز برتر بوده‌اند و هر دو نماینده حال حاضر این ایالت از حزب جمهوری خواه هستند، می‌توان این ایالت را یک ایالت کاملاً با گرایش جمهوری خواه در این انتخابات دانست.

از سال ۱۸۹۰ میلادی تاکنون (اگست ۲۰۲۰) به تعداد ۳۳ فرمان‌دار برای ایالت آیداهو انتخاب شده‌اند که ۲۱ تن جمهوری خواه، ۱۱ تن دموکرات و یک تن Frank Steunenberg کاندیدای مشترک حزب دموکرات و حزب مردم یا عوام‌گرا بوده‌اند. تا سال ۱۹۶۴ این انتخابات هر دو سال یک بار برگزار می‌شد، اما بعد از آن هر چهار سال یک بار برگزار می‌شود. همان‌گونه که مشاهده می‌کنیم، جمهوری خواهان در طول تاریخ این انتخابات دست بالا را دارند و از ۱۹۹۵ همه‌ی پنج

فرمان‌دار منتخب این ایالت از حزب جمهوری خواه بوده‌اند. Brad Little از حزب جمهوری خواه فرمان‌دار

حال حاضر این ایالت است.

George L. Shoup آخرین فرمان‌دار قلمرو آیداهو است که توسط رییس جمهور بنجامین هریسون به این مقام منصوب شد و پس از تبدیل قلمرو آیداهو به ایالت آیداهو، مجدداً وی به عنوان اولین فرمان‌دار ایالت آیداهو انتخاب شد؛ اما تنها چند هفته به عنوان فرمان‌دار ایالت جدید خدمت کرد. در نوامبر سال ۱۸۹۰ مجلس قانون‌گذاری ایالت آیداهو او را به نماینده‌گی آیداهو در مجلس سنای امریکا برگزید. وی در ماه دسامبر همان سال از مقام فرمان‌داری استعفا داد و راهی مجلس سنای امریکا شد. در سال ۱۹۴۵ نیز Charles C. Gossett به عنوان بیستمین فرمان‌دار ایالت آیداهو انتخاب شد، اما بعد از یک سال از مقام خود استعفا داد تا جانشینش Arnold Williams به جای وی فرمان‌دار شود و او را به جانشینی John Thomas سناتور فوت شده آیداهو منصوب کند. طبق قانون در صورت فوت سناتور و یا نماینده مجلس، فرمان‌دار باید جانشین وی را تا انتخابات بعدی منصوب کند و بدین صورت Arnold Williams به عنوان فرمان‌دار جدید، Charles C. Gossett را به مقام سناتوری برگزید.

نتیجه: با توجه به این که از ۳۲ دوره انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده در این ایالت ۲۱ دوره جمهوری خواهان برنده بوده که ۱۳ دوره آن مربوط به ۱۳ دوره اخیر می‌باشد، از ۲۹ سناتور تاریخ این ایالت ۱۹ تن جمهوری خواه و در چهل سال اخیر هر دو کرسی سنای این ایالت در دست جمهوری خواهان می‌باشند، از ۳۹ نماینده این ایالت در مجلس نماینده‌گان در طول تاریخ ۲۶ تن جمهوری خواه بوده و از سال ۲۰۱۱ نیز همه‌ی نماینده‌گان منتخب جمهوری خواه بوده‌اند و در نهایت از ۳۳ فرمان‌دار تاریخ این ایالت ۲۱ تن جمهوری خواه بوده و از سال ۱۹۹۵ نیز همه‌ی فرمان‌داران منتخب جمهوری خواه می‌باشند، آیداهو در طول تاریخ انتخابات یک ایالت جمهوری خواه بوده و هم اکنون نیز کاملاً جمهوری خواه است.



صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسول: معجب مهرداد
معاون مدیرمسول: وحید پیمان
خبرنگاران: خلیل اسیر، علی شاه حقمیل، عبدالاحمد حسینی، حسیب بهش و محمدحسین نیک‌خواه
ویراستار: علی نظری، س.ن.ونین

Publisher:
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Editor-in-Chief:
Mujib Mehrdad
mujib_mehrdad@yahoo.com
Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

صفحه آرایی: رضا مرادی و عبدالواسع
مسوول رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت
ویدیو: حسن آذر مهر
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۷۹۹۰ Shaparsepahr@gmail.com
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: جاده شیرپور، ناحیه دهم، کابل، افغانستان
صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.



سهولت برداشت به دارنده گان کارت‌های ماشین‌های خودپرداز صرافى (ATM) با گسترش فعالیت سیستم تادیت افغانستان با (APS/افغانستان بیمنت سیستم)، تمام مشتریان بانک های خصوصی و دولتی افغانستان که به این سیستم وصل میباشند، میتوانند از تمام ماشین‌های خودپرداز صرافى عزیزى بانک در مرکز و ولایت به صورت 24 ساعته پول برداشت نمایند. همچنان مشتریان محترم عزیزى بانک نیز میتوانند با استفاده از کارت های ATM خود از سایر ماشین‌های صرافى بانک‌های خصوصی و دولتی شامل این سیستم پول دریافت نمایند. عزیزى بانک همگام با تکنولوژی جدید متعهد به خدمتگذاری بهتر برای مشتریان عزیز خود می‌باشد.

www.azizibank.af 1515

در میز مذاکرات صلح چه کسانی برای منافع مردم چانه می‌زنند؟

دوونیم دهه تلاش در راه تامین صلح



فاطمه فرامرز

یکم؛ اواسط دهه ۷۰ و اوج جنگ‌های داخلی است. جوانی که هنوز وارد سومین دهه‌ی عمرش نشده است، با شور و اشتیاق بی‌پایان وارد دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل می‌شود. جنگ با شدت تمامش بین دولت اسلامی افغانستان و گروه طالبان جریان دارد. توجه به این که هر فردی در قبال رفاه جامعه‌اش مسوولیت دارد، آغازگر فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی جوانانی می‌شود که دانشجوی دانشکده‌های مختلف دانشگاه کابل‌اند. یکی از این جوانان احمدنادر نادری است.

آقای نادری به عنوان فردی که دوست دارد در فضای صلح‌آمیز به تحصیلش ادامه بدهد، با شماری از دانشجویان دیگر تصمیم به ایجاد یک شبکه‌ی دانشجویی می‌گیرند و طرحی مبنی بر اتخاذ امنیت شهر کابل از سوی دانشجویان را به نمایندگی سازمان ملل مقیم کابل می‌برند. هدف این طرح غیرنظامی شدن شهر کابل و ایجاد فضای اعتماد میان دولت اسلامی افغانستان و گروه طالبان برای آغاز مذاکرات صلح است.

هنوز زمان امتحان نهایی سال دوم دانشگاه فراه نرسیده است که طالبان قدرت‌مندتر از هر جناحی دیگر، از دروازه‌ی شرقی کابل وارد شهر می‌شوند. ورود طالبان به کابل، شرایط جنگی را خفکان بارتر می‌کند.

هر چند که طرح یک سال قبل مبنی بر غیرنظامی شدن شهر کابل، عملی نمی‌شود اما سبب می‌شود که ریشه‌های تلاش برای برقراری صلح را در دل افرادی چون آقای نادری بکارد. ادامه‌ی این تلاش‌ها در قالب فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی در زمان حاکمیت رژیم طالبان، علت به زندان افتادن آقای نادری و شکنجه‌ی او از سوی زندانبانان طالب می‌شود.

دوم؛ پنج سال بعد و اواخر پاییز ۱۳۸۰ است. رژیم طالبان در برابر جنگ جهانی علیه تروریسم شکست خورده است. کنفرانس بن با ابتکار سازمان ملل می‌رود تا برای آینده‌ی افغانستان پسا طالبان تصمیم‌هایی اتخاذ کند. چهار گروه به شمول ائتلاف شمال و دولت اسلامی افغانستان به ریاست برهان‌الدین ربانی، هیأت روم به ریاست شاه سابق، هیأت پشاور به ریاست سیداحمد گیلانی و هیأت قبرس که اعضای خانواده‌ی گلبدین حکمتیار باشد، به بن، جرمنی دعوت شده‌اند تا هر گروه برای منافع‌شان در افغانستان پسا طالبان چانه بزنند.

بیرون از گروه چهارگانه، کسانی نیز هستند که بر مبنای تاریخچه‌ی فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی و داشتن طرح

او ممکن پدرش را در این کنفرانس همراهی کند، اما آقای نادری با استفاده از فرصتی که پیش آمده است تا برای بار اول در یک فضای نسبتاً بی‌تنش، چانه‌زنی‌ها را مشاهده و بررسی کند، سعی می‌کند با افرادی از گروه‌های مختلف صحبت کند. او در صحبت‌هایش با اعضای گروه چهارگانه، هر کدام را به نحوی ترغیب کند تا از جزییاتی که در برابر منافع کلی مردم ارزشی ندارند، بگذرند.

تجربه‌ی جالب و در عین حال بسیار آموزنده‌ی حضور در کنفرانس بن و نظارت از گفت‌وگوهای به آقای نادری فرصت می‌دهد که با چانه‌زنی روی منافع افراد و گروه‌ها آشنا شود. او با حضور در این نشست به روشنی می‌فهمد چه چیزهایی باعث می‌شود تا سیاستمداران خواست‌های ارزشمند، آرمانی و خوب درونی‌شان را نادیده گرفته و تحت تاثیر منفعت گروهی چانه بزنند و راه رسیدن به آرمان مشترک را طولانی بسازند.

سوم؛ روزهای سرد، سخت و نفس‌گیر کنفرانس بن، هر چند که بسیار به طول انجامیده است، اما به پایان می‌رسد و نادری به کابل بر می‌گردد. این برگشتن آغاز فصل تازه‌ی تلاش‌ها برای نادر نادری است. او به خاطر تدویر لویه‌جرگه آن‌قدر اشتیاق دارد که شش بجعی صبح خودش را از مکروریان به خیمه لویه‌جرگه می‌رساند و دیر وقت شب‌ها با پای پیاده به خانه بر می‌گردد. اشتیاق سرشار از امید برای ساختن وطن با ثبات و مقتدر علت تمام این تلاش‌ها است.

شکل‌گیری حکومت موقت و انتقالی به آقای نادری کمک می‌کند که برنامه‌هایش را هدف‌مندانه‌تر دنبال کند. حضور او در بین کمیشنران کمیسیون مستقل حقوق بشر، تدریس حقوق اساسی در دانشگاه امریکایی افغانستان، ریاست واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان و ایجاد چندین شبکه‌ی مدنی به شمول بنیاد انتخاب آزاد و عادلانه کارنامه‌ی تلاش آقای نادری برای تامین صلح در افغانستان را پررنگ‌تر می‌کند.

چهارم؛ حدود یک دهه از عمر حکومت‌های پسا طالبانی در

آقای نادری به عنوان فردی که دوست دارد در فضای صلح آمیز به تحصیلش ادامه بدهد، با شماری از دانشجویان دیگر تصمیم به ایجاد یک شبکه‌ی دانشجویی می‌گیرند و طرحی مبنی بر اتخاذ امنیت شهر کابل از سوی دانشجویان را به نمایندگی سازمان ملل مقیم کابل می‌برند. هدف این طرح غیرنظامی شدن شهر کابل و ایجاد فضای اعتماد میان دولت اسلامی افغانستان و گروه طالبان برای آغاز مذاکرات صلح است.

برای ایجاد مذاکرات صلح از سوی سازمان ملل متحد به کنفرانس بن دعوت شده‌اند. آقای نادری به عنوان فعال سیاسی و ناظر گفت‌وگوهای این چهار گروه، تلاش دارد که برای ساختن فضای ایده‌آل در کشور، با هر یکی از گروه‌های چهارگانه بحث و گفت‌وگو کند.

به توجه به تناسب سنی، آقای نادری برای حضور در کنفرانس بن بسیار جوان است و هیچ کسی انتظار ندارد که او ناظر این چانه‌زنی‌ها باشد، بلکه تصور اولی این است که

کشور گذشته است و آقای نادری به دعوت سازمان ملل رهسپار کشور آفریقای لیبیا می‌شود تا مشاور شکل‌گیری دولت انتقالی لیبیا باشد. در عین حال که برای این مشاوریت برای مدتی بین افغانستان و لیبیا در رفت‌وآمد است، مسوولیتی افتخاری در مجمع اقتصادی جهان را نیز به عهده دارد.

در سال‌های بعد، هم‌زمان با آن که آقای نادری عضو آجندای جهانی کشورهای در حال منازعه است، عازم دانشگاه جورج واشنگتن در ایالات متحده امریکا می‌شود تا رشته‌ی روابط بین‌الملل و تدوین پالیسی را در مقطع ماستری بخواند.

بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳ است. شماری از کشورهای اروپایی تلاش دارند که مسیر غیررسمی گفت‌وگوهای صلح بین حکومت افغانستان و گروه طالبان را اندک‌اندک بگشایند. در این گفت‌وگوهای غیر رسمی در گوشه‌ای از شهر پاریس در فرانسه، آقای نادری به عنوان فعال سیاسی خواهان صلح با شهاب‌الدین - فعلا در دفتر طالبان در دوحه حضور دارد- دیدار و گفت‌وگو می‌کند.

پنجم؛ هر چند که دیدارهای غیر رسمی نمی‌تواند آغازگر گفت‌وگوهای صلح بین حکومت افغانستان و گروه طالبان شود، در بهار سال جاری و بعد از این که گروه طالبان با حکومت ایالات متحده امریکا در زمستان سال گذشته به توافق رسیده است، نام آقای نادری شامل هیأتی است که از سوی حکومت افغانستان برای مذاکرات صلح معرفی می‌شوند.

او که قرار است با آغاز گفت‌وگوهای بین‌الافغانی در دوحه، با طالبان روی منافع مردم و حکومت افغانستان چانه بزند، باور دارد که هیچ خط سرخی و هیچ باید و نبایدی در مذاکرات جایگاه ندارد. هر چند که آقای نادری دانستن حدودی تعیین شده از سوی مردم افغانستان را اولویت می‌دهد، اما مذاکره را زمینه‌ی بحث‌هایی می‌داند که در آن باید تفاوت‌ها دریافت شود و دو طرف شرایط هم‌دیگر را درک کنند.

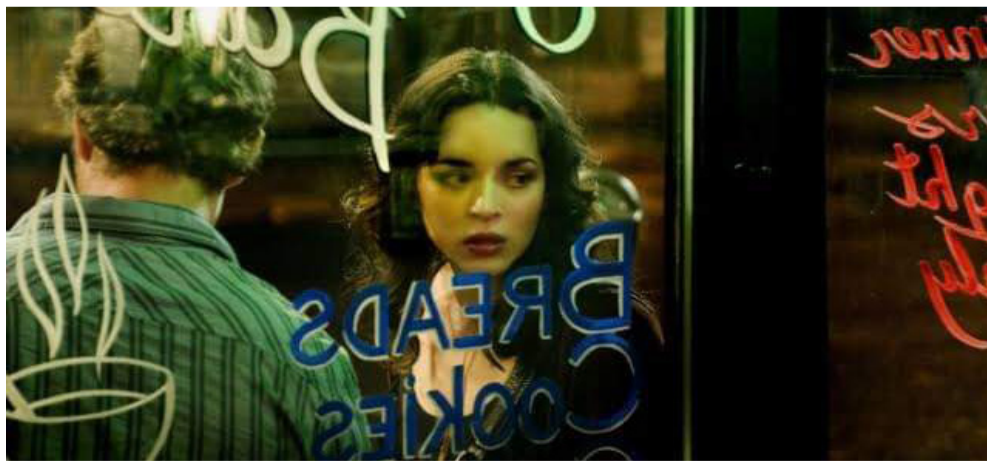
نگاهی به مولفه‌های سینمای «وونگ کار وای»

سیامک بیژن

و تنهای وونگ کار وای، عمدتاً در پی یک سنگ صبور اند که با او درد دل کنند. برای همین کار هیچ‌گاه به تخت خواب نمی‌کشد. قهرمان‌های عاشقش از یک سو مدام ترس از مواجهه شدن دارند از سوی دیگر در دل عطشی برای در پای آن رابطه ماندن. رابطه‌های مقطعی‌ای که به رغم امید و میل شدید تماشاگر برای به ثمر نشستنش؛ هیچ‌گاه به قوام نمی‌رسند و ناتمام می‌مانند. عشاق ترجم‌برانگیز و تنهای فلم‌های وونگ کار وای، در واقع صاحبان اینار اند، که از جبر اجتماع، که ریشه در اصل‌ها و سنت‌های نادرست دارد، به رغم احتیاج‌شان برای رسیدن به عشق، پا روی دل می‌گذارند و با نوعی خودآزاری گاه برای خودشان و گاه برای محبوب؛ قربانی می‌دهند و قربانی می‌شوند.

رفتار جامعه با آن‌ها بخشی از معادله حل‌ناشده در فلم‌های او ست. بخش زیباترش به این بر می‌گردد که عشق در فلم‌های وونگ کار وای، با نوعی نجابت عارفانه همراه است. پشتوانه فکری عاشقانه‌های کار وای، ریشه در عشق شرقی دارد.

همین طور که قطرات اشک جاری می‌شوند، روزهای وحشی‌بودن، خاکستر زمان، چانگ کینگ اکسپرس، فرشته‌گان سقوط کرده، شادی در کنار هم، در حال و هوای عشق، ۲۰۴۶، شب‌های زغال اخته‌ای من، و استاد اعظم؛ از مهم‌ترین آثار او هستند که در فاصله بین سال‌های ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۳ ساخته شده‌اند.



روابط فوق‌العاده غریب و تمایل بیش از حد به درون‌گرایی و ترس از انزوایی که قهرمان‌ها و شخصیت‌های فلم‌هایش برای رهایی از آن، تنها جسارت این را دارند که به آدم‌های تنهای شبیه خودشان پناه ببرند. انگار احساس می‌کنند که تنها برای الگوهای خودشان قابل تحمل‌اند. بر خلاف بقیه فلم‌های سینمای معاصر که در آن‌ها سکس پرچاذه‌ترین و پرترف‌دارترین بخش آن است، شخصیت‌های عاشق‌پیشه

و در نهایت همه‌ی عناصر روایی و بصری سینمای او در خدمت این امر قرار گرفته‌اند که به تنهایی شخصیت‌ها جان بدهند و حس احتیاج به عشق آن‌ها را به بهترین شکل ممکن روی پرده بیاورند.

و مهم‌ترین مؤلفه‌اش این است که سینمای او به خاطر سبک خاص پراحساسش، شهرت جهانی دارد. غالباً داستان فلم‌هایش عاشقانه‌های پیچیده‌اند با یک نوع

وونگ کار وای با دومین فلمش «روزهای وحشی بودن»، سبک خودش را وارد سینما کرد، و با فلم «شادی در کنار هم» (داستان دو مرد هم‌جنس‌گرای ساکن بوئنوس آیرس) شهرت جهانی پیدا کرد و باعث شد برای اولین بار یک کارگردان چینی جایزه بهترین کارگردانی را از جشنواره کن ببرد. اگرچه تمام فلم‌های وونگ کار وای، تحسین‌برانگیز اند، با این حال، (سه گانه) یک: روزهای وحشی بودن، دو: در حال و هوای عشق، سه: ۲۰۴۶ فلم‌های پر آوازه و متعالی‌تری‌اند.

ونگ کار وای، این نابغه سینما؛ استاد حال و هوا ست. به ویژه حال و هوای عاشقانه‌های خاص خودش.

بازی با سایه‌ها، فلم‌برداری در شب، حکایت از آدم‌های رمانتیک تنها، و اسلوموشن‌های استثنایی با موسیقی‌های فوق‌العاده، از جمله مؤلفه‌های شناخته‌شده سینمای وی‌اند. داستان‌هایش در شهرها و حومه‌ی شهرها اتفاق می‌افتند. در خیابان‌های بی‌روح، اپارتمان‌های کوچک، و اتاق‌های نیمه‌روشنی که هیچ نشانه‌ای از شور زنده‌گی را در خودشان ندارند.

او بهترین روایت‌گر لحظه‌های ملال‌آور تنهایی است. روایت‌گر نسل آدم‌های «فست فودی» که در تنهایی کنسرو صرف می‌کنند، و گاه تا سر کوچه دنبال «تدل» می‌روند.